دوره دهم ـ سال چهارم
تاریخ چاپ ۱۳۹۸/٤/۲۹

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

اصلاحیه ۱
شماره چاپ ۸۵۲
شماره چاپ سابقه ۸۰۹- ۲۳
شماره ثبت ۱٦

اعاده‌شده از شورای نگهبان (۲)

(ارجاعی از صحن)

شماره: ۲۵٤۳/ق‌ک

تاریخ: ۱۳۹۸/۳/۲۰

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

لایحه تجارت که پس از تصویب کلیات از صحن علنی به این کمیسیون ارجاع شده بود با حضور کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاههای اجرائی ذی‌ربط در چندین جلسه کمیسیون مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به حجم لایحه و کثرت مواد آن، صرفاً باب قراردادهای تجارتی لایحه در دوازده فصل و (۳۳۱) ماده به‌شرح زیر به تصویب رسید.

اینک گزارش آن در اجرای ماده (۱۵۲) قانون آیین‌نامه داخلی تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی

الهیار ملکشاهی

معاونت قوانین

باسمه‌تعالی

لایحه تجارت - قراردادهای تجارتی

فصل اول - مقررات عمومی

ماده1- مقررات این قانون در موارد زیر اعمال می‌شود:

1- کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با یکدیگر

2- کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با مصرف‌کنندگان، مشروط بر آن که قوانین و مقررات مساعدتری به نفع مصرف‌کننده بر رابطه قراردادی بین صاحب حرفه و مصرف‌کننده حاکم نباشد.

3- کلیه قراردادهای منعقدشده بین مصرف‌کنندگان با یکدیگر، مشروط بر آن که طرفین قرارداد خود را صریحاً تابع این قانون قرار داده یا قوانین مربوط نسبت به حکم قضیه ساکت بوده باشند.

تبصره 1- شخصی که قرارداد را خارج از فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند مصرف‌کننده و شخصی که قرارداد را در چهارچوب فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند صاحب حرفه نامیده می‌شود.

تبصره 2- کلیه قراردادهای توزیع کنندگان کالا، ارائه‌کنندگان خدمات و تولیدکنندگان، در راستای فعالیت‌های شغلی آنان محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده2- اشخاص در انعقاد قرارداد خصوصی، تعیین مفاد و تعیین قانون حاکم بر آن آزادند.

ماده3- قرارداد تابع قانون محلی است که با توجه به اوضاع و احوال مسلم قضیه بیشترین ارتباط را با آن قرارداد داشته باشد مگر آنکه متعاقدین آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده4- طرفین قرارداد می‌توانند شمول اعمال قانون را نسبت به قرارداد استثناء یا محدود نمایند یا مفاد قانون قابل اعمال را به نحو دلخواه تغییر دهند. قاعده آمره قابل اعمال در مورد قرارداد قابل استثناء، تحدید یا تغییر نیست.

تبصره- قاعده آمره عبارت است از احکام الزامی شرعی، مباحات اقتضائی و قواعد قابل اعمال مرتبط با نظم عمومی.

ماده5- انعقاد قرارداد، ابراز اراده یا هر عمل دیگر مرتبط با قرارداد و اثبات آنها نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست. این امور، به هر وسیله، از جمله شهادت شهود، قابل اثبات است.

ماده6- قرارداد ممکن است دو تعهدی یا تک‌تعهدی باشد. قرارداد دوتعهدی قراردادی است که به موجب آن طرفین تعهدات متقابلی را به نفع یکدیگر به عهده می‌گیرند و قرارداد تک‌تعهدی قراردادی است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر تعهدی را به عهده می‌گیرد، بدون آن که متعهدٌله تعهد متقابلی را به نفع متعهد به عهده گرفته باشد.

ماده7- تعهد یک طرفه قراردادی است که به موجب آن یک طرف (متعهد) به دیگری (ذی‌نفع) در دوره زمانی مشخص حق انتخاب انعقاد قراردادی را می‌دهد که عناصر ضروری آن تعیین شده و فقط اراده ذی‌نفع برای تشکیل آن ابراز نشده است. لغو تعهد یک‌طرفه در دوره زمانی تعیین‌شده برای ذی‌نفع جهت اعمال حق مانع انعقاد قرارداد تعهدشده نیست. قرارداد با شخص ثالث آگاه به وجود تعهد یک‌طرفه که به سبب آن تعهد مذکور نقض شده است، باطل است.

ماده8- در تفسیر این قانون باید به ویژگی تجارتی آن و هدف قانون شامل ایجاد وحدت رویه در اعمال مقررات تجارتی توجه شود.

ماده9- در این قانون:

«هویت» شامل نام، نام خانوادگی و شماره ملی برای اشخاص حقیقی و نام و شماره انحصاری برای اشخاص حقوقی است.

«دادگاه» شامل هر دیوان داوری نیز می‌شود.

«نوشته» شامل هر چیزی است که حاوی ثبت اطلاعات موجود در خود و قابل تکثیر به شکل ملموس باشد.

ماده10- کلیه اخطارهای مقررشده در مواد این قانون متناسب با وسایل ارتباطی در دسترس با توجه به اوضاع و احوال قابل انجام است.

تبصره- مقصود از اخطار هر بیانیه، تقاضا، درخواست یا ابراز قصد دیگر است.

ماده11- اخطار از زمان وصول به مخاطب قانوناً واجد اثر است. اطلاع شفاهی مخاطب، تحویل اخطار به محل فعالیت مخاطب یا نشانی پستی وی از مصادیق وصول اخطار است.

تبصره- چنانچه یکی از طرفین بیش از یک محل فعالیت داشته باشد، تحویل اخطار به محلی که با توجه به اوضاع و احوال مسلم یا به موجب توافق طرفین قبل از انعقاد قرارداد، نزدیکترین ارتباط را با قرارداد یا اجرای آن داشته باشد از مصادیق وصول اخطار است.

ماده12- طرفین مکلفند در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد، اصل حسن نیت و عمل منصفانه در تجارت را رعایت کنند. طرفین نمی‌توانند بر خلاف مفاد این ماده توافق کنند.

ماده13- رعایت حسن نیت به وسیله طرفین مفروض است، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده14- هیچ شخصی در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد نباید ناهماهنگ با تلقی‌ای که خود برای طرف دیگر ایجاد کرده است، عمل کند. اگر طرف مقابل با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده اقداماتی را انجام دهد یا هزینه‌هایی را متحمل گردد، شخصی که وضع مذکور را ایجاد نموده، مسؤول خسارات واردشده است.

ماده15- هر یک از طرفین مکلف است اطلاعاتی را که در جریان مذاکرات قراردادی به عنوان «اطلاعات محرمانه» از سوی طرف دیگر به او ارائه می‌شود حفظ نماید، ولو آنکه مذاکرات مذکور به انعقاد قرارداد منجر نشود. در صورت افشای اطلاعات مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، متخلف مسؤول جبران خسارات واردشده است. تعهد به عدم افشای اطلاعات مذکور، در صورت انعقاد قرارداد تا پایان آن و در صورت عدم انعقاد قرارداد دو سال از تاریخ مذاکرات است، مگر این که به موجب توافق طرفین مدت دیگری مشخص شده باشد. در هر صورت، تکلیف حفظ اسرار تجارتی طرفین و عدم استفاده از آن محدود به مدتهای مذکور نیست.

ماده16- شروع مذاکره قراردادی و ادامه آن باید با هدف حصول توافق صورت گیرد و طرفین در طول مذاکرات مکلف هستند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً برای اتخاذ یک تصمیم متعارف در خصوص انعقاد قرارداد لازم است به طرف مقابل ارائه نمایند. در غیر این‌صورت و نیز در صورتی که یکی از اطراف مذاکره به نحو غیرمتعارف، غیرموجه و یک‌جانبه مذاکرات را قطع نماید، مسؤول خسارات و هزینه‌های تحمیل‌شده بر طرف مقابل است.

تبصره- شروع مذاکره صرفاً با هدف بازداشتن طرف مقابل از مذاکره با دیگری، ورود به مذاکرات با هدف دستیابی به اسرار تجارتی و اطلاعات مالی طرف مقابل، شروع مذاکراتی که بی‌نتیجه بودن آن از ابتدا بر شخص

شروع‌کننده معلوم است یا شروع مذاکره بدون اینکه مذاکره‌کننده اختیار توافق مورد نظر را داشته باشد، از مصادیق مذاکره بدون هدف حصول توافق محسوب می‌شود.

ماده17- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، نماینده نمی‌تواند خود را در وضعیتی قرار دهد که با اعطاءکننده نمایندگی دارای تعارض منافع شود، مگر آنکه این امر را قبلاً به اعطاءکننده نمایندگی اطلاع داده باشد.

ماده18- چنانچه شخصی به هر طریق موجب شود که دیگری نماینده یا دارای اختیاراتی از جانب او شناخته شود و اشخاص ثالث با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده با او به مانند نماینده یا شخص واجد اختیار برخورد نمایند، اصیل نمی‌تواند در مقابل شخص ثالث به فقدان نمایندگی یا فقدان اختیارات نماینده استناد کند.

ماده19- عزل نماینده‌ای که نمایندگی او در دفتر ثبت تجارتی به ثبت رسیده‌است باید ثبت و آگهی شود. در غیر این صورت، عزل در مقابل شخص ثالث ناآگاه غیر قابل استناد است.

ماده20- اگر طرفین تعیین برخی از مفاد قرارداد را به مذاکرات بعدی یا شخص ثالث موکول کرده باشند، این امر مانع از انعقاد قرارداد نیست. در این صورت، چنانچه طرفین بعداً در مورد مفاد مذکور به توافق نرسند یا شخص ثالث آن را تعیین نکند، قرارداد باطل نمی‌شود، مشروط بر این‌که معیار متعارفی برای تعیین آن مفاد وجود داشته باشد که در این صورت مفاد مذکور باید با توجه به آن معیار تعیین شود.

ماده21- طرفین می‌توانند توافق کنند مبلغ معامله به وسیله شخص ثالث یا بر اساس ضابطه‌ای معین تعیین شود. هرگاه تعیین مبلغ به شخص ثالث واگذار شده باشد، شخص مذکور باید در تعیین مبلغ به نحو متعارف عمل کند. چنانچه ثالث نخواهد یا نتواند مبلغ را تعیین کند، مبلغ مذکور به نحو متعارف تعیین می‌شود. چنانچه توافق شده باشد مبلغ معامله بر اساس ضابطه‌ای تعیین شود که دیگر وجود ندارد یا قابل دسترس نیست، نزدیکترین ضابطه معادل با ضابطه مورد توافق باید جایگزین شود.

ماده22- در موارد زیر، شرط مندرج در قرارداد، چنانچه موجب عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین گردد، غیرمنصفانه محسوب می‌شود و زیان‌دیده می‌تواند خواهان ابطال شرط شود:

1- شرط مندرج در قرارداد بین مصرف‌کننده و صاحب حرفه، چنانچه شرط به زیان مصرف‌کننده باشد؛

2- شرط مندرج در قراردادی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار است، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛

3- شرط مندرج در قرارداد نمونه ارائه‌شده از سوی یکی از طرفین، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛

تبصره 1- در احراز عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین باید به ماهیت و هدف قرارداد، اوضاع و احوال حاکم بر انعقاد قرارداد و سایر شروط آن قرارداد توجه شود.

تبصره 2- در مواردی که زیاندیده خواهان ابطال شرط است، اگر طرف مقابل قبول نماید که شرط مذکور تعدیل شود، دادگاه حکم به تعدیل شرط به نحو متعارف می‌دهد.

ماده23- در قراردادهایی که شخص صاحب حرفه با مصرف‌کننده منعقد می‌کند، درج شروط زیر به نفع صاحب حرفه ممنوع است و درج آن کأنلم‌یکن محسوب می‌شود:

1- شرطی که مسؤولیت قانونی صاحب حرفه را منتفی یا محدود نماید.

2- شرطی که حقوق قانونی طرف مقابل را در صورت عدم اجرای جزئی یا کلی قرارداد از سوی صاحب حرفه منتفی یا محدود نماید.

3- شرطی که به صاحب حرفه حق فسخ دهد، چنانچه طرف مقابل در همان مورد فاقد این حق باشد.

4- شرطی که به صاحب حرفه در تغییر نوع انجام کار یا صفات محصول، بدون دلیل منطقی بیان شده در قرارداد، اختیار بدهد.

5- شرطی که به صاحب حرفه در تعیین قیمت در زمان تسلیم یا افزایش آن اختیار بدهد، بدون آنکه در همان مورد به طرف مقابل حق فسخ داده شده باشد.

6- شرطی که تفسیر قرارداد یا داوری در خصوص مطابقت کالا یا خدمات ارائه‌شده با مفاد قرارداد را به شخص ارائه‌کننده یا ثالثی که از جانب او تعیین می‌شود واگذار کند.

7- شرطی که تعهد طرف مقابل را قطعی کند، اما انجام تعهد از سوی صاحب حرفه را منوط به شرط تعلیقی نماید که تحقق آن منوط به اراده خود او است.

8- شرطی که به موجب آن بار اثبات از عهده صاحب حرفه به طرف مقابل منتقل شود.

9- شرطی که وجه التزام تعیین‌شده در قرارداد را در مقایسه با صدمه و زیان ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن و اوضاع و احوال دیگر، به نحو غیرمتعارفی بیشتر تعیین کرده باشد.

10- شرطی که مصرف‌کننده را به قبول داوری ملزم نماید که صاحب حرفه تعیین می‌کند.

تبصره- در قراردادهایی که که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار باشد هرگاه شروط موضوع این ماده به زیان طرف دیگر درج گردد، حکم این ماده مجری است.

ماده24- هر قراردادی که صحیحاً منعقد شده است، برای طرفین الزام‌آور است. هرگونه تغییر مفاد قرارداد یا فسخ آن، تنها، به موجب مفاد خود قرارداد یا توافق جدید امکان‌پذیر است، مگر این که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده25- طرفین به رعایت رویه‌ها و شیوه‌های معمول بین خود ملزم هستند.

ماده26- طرفین به رعایت عرفهایی که به طور معمول در معاملات مرتبط به وسیله اشخاص رعایت می‌شود، ملزم هستند، مگر آن که اعمال عرف مذکور در خصوص یک رابطه قراردادی نامتعارف باشد.

ماده27- در تفسیر کلیه قراردادها سکوت قرارداد، در صورت فقدان قوانین آمره، به ترتیب بر رویه و شیوه معمول بین طرفین، عرف خاص، عرف عام و قوانین تکمیلی محمول است.

ماده28- اگر شرط مبهمی به پیشنهاد یکی از طرفین در قرارداد درج شده باشد، آن شرط به ضرر پیشنهاددهنده آن تفسیر خواهد شد.

ماده29- هر یک از طرفین مکلفند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً لازمه اجرای قرارداد است به طرف مقابل ارائه نماید. هیچ یک از طرفین نمی‌تواند با استناد به اینکه اطلاعات مذکور در زمره اسرار تجارتی است یا عدم ارائه آنها در قرارداد شرط شده است، از انجام این تکلیف خودداری نماید.

ماده30- تا زمانی که متعهد اخطاری از متعهدٌله مبنی بر انتقال حق دریافت نکرده است با انجام تعهد برای انتقال‌دهنده از تعهد خود بری می‌شود. پس از اینکه شخص متعهد اخطار مزبور را وصول کرد، فقط با ایفای تعهد برای منتقلٌ‌الیه از تعهد خود بری می‌شود. اگر حق واحدی به طور متوالی به دو یا چند شخص انتقال یافته باشد، شخص متعهد با ایفای تعهد مطابق با توالی دریافت اخطارها از تعهد خود بری می‌شود.

ماده31- در موردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله متعهد ممکن نیست، چنانچه متعهدٌله از دادگاه اجبار متعهد به اجرای قرارداد را تقاضا کند، دادگاه می‌تواند به درخواست متعهدٌله، در حکم راجع به اصل دعوا

یا پس از صدور حکم، به تناسب موضوع تعهد، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکومٌعلیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجراء نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکومٌله بپردازد.

ماده32- چنانچه نماینده، به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد یا هویت منوبٌ عنه را افشاء ننماید، طرف مقابل می‌تواند علاوه بر اصیل، اجرای قرارداد را از نماینده نیز مطالبه کند.

ماده33- چنانچه نماینده به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد و هویت منوبٌ عنه را افشاء نماید، طرف مقابل فقط می‌تواند اجرای قرارداد را از اصیل مطالبه کند، مگر این که نماینده نیز صریحاً یا ضمناً اجرای قرارداد را تعهد نموده باشد.

ماده34- چنانچه پیش از تاریخ اجرای تعهد، با توجه به اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که یکی از طرفین تعهدات اساسی خود را در تاریخ مقرر اجراء نخواهد کرد، طرف دیگر می‌تواند خواستار ارائه تضمین متناسب برای اجرای تعهد باشد و تا ارائه آن از اجرای تعهدات خویش خودداری کند. اگر تضمین متناسب در مدت زمان متعارف ارائه نشود، طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ کند. با وجود این، چنانچه عدم اجرای تعهدات اساسی یکی از طرفین در تاریخ مقرر قطعی باشد، تقاضای ارائه تضمین لازم نیست و طرف دیگر می تواند رأساً قرارداد را فسخ کند.

تبصره- در احراز اساسی بودن تعهد نقض‌شده اوضاع و احوال مسلم قضیه از جمله رکن بودن تعهد نقض‌شده، شدت زیان‌بار بودن نقض و ناکارآمدبودن اجبار متعهد به ایفای تعهد مناط اعتبار است.

ماده35- در صورت نقض تعهدات اساسی قراردادی، متعهدٌله می تواند رأساً قرارداد را فسخ نماید. در این مورد، وجود حق فسخ مانع الزام به ایفای تعهد و اعمال آن مانع تقاضای جبران خسارات ناشی از نقض نیست.

ماده36- در صورت نقض تعهدات غیراساسی قراردادی، متعهدٌله می‌تواند به موجب اخطار مهلت اجرای قرارداد به وسیله متعهد را به نحو متعارف تمدید کند. در این صورت، متعهدٌله مجاز به الزام متعهد به ایفای تعهد نیست. اگر متعهد تعهدات خود را در مهلت مذکور اجراء نکرد یا اعلام نمود که اجراء نمی‌کند، متعهدٌله می‌تواند تا زمانی که تعهد مذکور انجام نشده است، قرارداد را فسخ نماید. در هر حال، متعهدٌله می‌تواند، حسب مورد، خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن را از متعهد مطالبه کند، مگر اینکه عدم اجراء یا تأخیر به حادثه خارجی غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل رفع مستند باشد.

ماده37- هرگونه نقض قرارداد، شامل عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن، به زیان‌دیده حق مطالبه جبران کامل خسارت را می‌دهد، مگر این که نقض قرارداد ناشی از تجویز صریح مقنن باشد. مطالبه جبران کامل خسارت نافی اعمال ضمانت اجراءهای دیگر درنظرگرفته شده برای نقض قرارداد نیست و اعمال ضمانت اجراءهای مذکور، نافی حق مطالبه جبران کامل خسارت نمی‌باشد.

تبصره- خسارت شامل هر ضرر واردشده، اعم از مادی و معنوی، و هر محرومیت از نفع، از جمله نفع ناشی از اجتناب از هزینه یا خسارت، می‌گردد.

ماده38- اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل نقض تعهدات قراردادی طرف دیگر طبق مقررات معامله را فسخ کند و طی مدت و به طریق متعارف معامله‌ای جایگزین منعقد نماید، می‌تواند مابه‌التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ معامله جایگزین و هر خسارت دیگر ناشی از این امر را از طرف دیگر مطالبه کند. اگر طرف زیان‌دیده معامله جایگزینی منعقد نکرده اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود داشته باشد، وی می‌تواند مابه‌التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ رایج در زمان فسخ قرارداد و هر خسارت دیگر ناشی از عدم اجراء یا تأخیر در اجرای قرارداد را از

طرف دیگر مطالبه کند. مبلغ رایج مبلغی است که عرفاً برای کالاها یا خدمات موضوع قرارداد در اوضاع و احوال مشابه، در محل اجرای قرارداد، مقرر است.

ماده39- در صورت بروز حوادثی که تعادل قرارداد را به طور اساسی بر هم زده یا به نحو فاحشی هزینه اجرای تعهد را برای یک طرف افزایش داده است، طرف زیان‌دیده حق دارد به منظور ایجاد تعادل قراردادی در مدت متعارف و با ذکر دلایل درخواست مذاکره کند. درخواست مذاکره حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان‌دیده نمی‌دهد. در صورت عدم دستیابی به توافق در مدت متعارف، هریک از طرفین می‌توانند تعدیل قرارداد را از دادگاه تقاضا کنند. دادگاه در صورت احراز موضوع این ماده، حکم به تعدیل قرارداد می‌دهد و چنانچه حکم به تعدیل نامتعارف یا تعدیل ناممکن باشد، از تاریخ حکم قرارداد را ابطال می‌کند.

تبصره1- چنانچه قرارداد در خصوص نحوه تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، متضمن مقرراتی باشد، مفاد این ماده اجراء نخواهد شد، مشروط بر آن که مقررات مذکور غیرمنصفانه نباشد. در هر حال، طرفین نمی‌توانند بر عدم امکان تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، توافق نمایند.

تبصره2- حوادث قبل از انعقاد قرارداد که زیان‌دیده نسبت بدان مطلع بوده است یا باید مطلع می‌بود، حوادثی که برای زیان‌دیده به هنگام انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی یا کسب اطلاع بوده است، بعضی از حوادثی که زیان‌دیده خطر احتمالی ناشی از آن را بر عهده گرفته باشد و مواردی که تأخیر زیان‌دیده موجب آن شده است، موجب ابطال یا تعدیل قرارداد نیست.

ماده40- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، سمت نمایندگی، حسب مورد، با انحلال، فوت یا حجر اعطاءکننده نمایندگی پایان می‌یابد، لکن، در صورت اقتضای ضرورت، نماینده قبلی تا تعیین نماینده جدید، با رعایت مصلحت، مسؤولیت اداره اموال را بر عهده خواهد داشت.

ماده41- نحوه محاسبه کلیه مهلتها و مواعد مقرر در قراردادها و این قانون تابع قانون آیین دادرسی مدنی است، مگر به موجب قرارداد یا قانون بر خلاف آن مقرر شده باشد.

فصل دوم - دلالی

ماده42- دلالی عقدی است که به موجب آن دلال در برابر دیگری (آمر) تعهد می‌کند که برای او طرف معامله پیدا کند و در انعقاد معامله با طرف مذکور وساطت نماید.

مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال

ماده43- دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به تجارت بپردازد.

ماده44- دلال می‌تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائل دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده45- دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده46- دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد.

ماده47- دلال نمی‌تواند از سوی یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجراء کند، مگر اینکه چنین اجازه‌ای داشته باشد.

ماده48- دلال مسؤول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور ناشی از علتی است که به شخص او یا کارکنان وی مستند نیست.

ماده49- هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به‌وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن اصالت امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است.

ماده50- دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.

ماده51- دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به آمر خود معرفی می‌کند، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسؤولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسؤولیت دلال مانع از رجوع به او در صورت تقصیر نخواهد بود. دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار آمر خود نیست.

ماده52- دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله در برابر آمر مسؤول است، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسؤولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسؤولیت دلال مانع از رجوع به وی در صورت تقصیر نیست.

ماده53- هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدٌله مسؤول اجرای معامله است.

ماده54- چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی ذی‌نفع یا سهیم باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند. در غیر این‌صورت مسؤول خسارات واردشده است و به جزای نقدی از یک‌دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می‌شود.

ماده55- در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد، با آمر خود متضامناً مسؤول اجرای تعهد است.

ماده56- دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارتی محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف‌شده نیست و به جزای نقدی درجه چهار و دو سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود.

مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های دلال

ماده57- میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود. در صورت وجود تعرفه مصوب مراجع ذی صلاح، میزان اجرت دلال نباید از تعرفه مذکور بیشتر باشد.

ماده58- دلال نمی‌تواند اجرت را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.

ماده59- هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.

ماده60- مخارجی که دلال در اجرای دلالی با إذن یا اجازه آمر متحمل شده است، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است.

ماده61- اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده62- در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از خیارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.

ماده63- دلالی معاملات ممنوع اجرت ندارد.

ماده64- درموردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدات طرفین یا زمانی

که در قرارداد معین شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد. کالای فاسدشدنی از شمول این حکم مستثنی است.

ماده65- دلال مکلف است از هرگونه افشای اسرار دو طرف معامله، که وی به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است، خودداری نماید. در صورت افشای اسرار مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، مسؤول جبران خسارات وارده است.

ماده66- دلال باید کلیه معاملاتی را که به وساطت او انجام گرفته است، با ذکر نوع و مشخصات معامله و طرفهای آن در یک دفتر الکترونیک ثبت کند.

فصل سوم- حق‌العمل‌کاری

ماده67- حق‌العمل‌کاری عقدی است که به موجب آن شخصی در مقابل دیگری (آمر) تعهد می‌کند که به نام خود و حساب او معامله نماید.

مبحث اول- حقوق و تکالیف حق‌العمل‌کار

ماده68- حق‌العمل‌کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله به‌فوریت مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به او اطلاع دهد.

ماده69- حق‌العمل‌کار مکلف به بیمه کردن موضوع معامله نیست، مگر اینکه آمر دستور داده یا قانون مقرر کرده باشد.

ماده70- حق‌العمل‌کار مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر یا تقلب او ناشی می‌شود.

ماده71- اگر کالایی که به منظور فروش برای حق‌العمل‌کار ارسال می‌شود دارای عیوب ظاهری باشد، حق‌العمل‌کار باید برای حفظ حق رجوع آمر به متصدی حمل‌ونقل و تعیین میزان خسارت، اقدامات لازم را انجام دهد و به نحو مقتضی کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند. در غیراین‌صورت مسؤول خسارت ناشی از این تقصیر است.

ماده72- اگر فروش کالایی که برای حق‌العمل‌کار ارسال می‌گردد ممکن نشود و یا آمر از إذن فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق‌العمل‌کار بگذارد، وی می‌تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده73- در هر صورت، چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق‌العمل‌کار ارسال شده است، حق‌العمل‌کار می‌تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده74- درصورتی‌که حق‌العمل‌کار بدون رضایت آمر مالی را به اقساط یا نسیه بفروشد یا به صورت سلف بخرد یا برای خرید، پیش‌پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر خرید یا فروش به نحو مذکور مطابق رویه بین طرفین یا عرف تجارتی محل اجرای حق‌العمل‌کاری باشد، حق‌العمل‌کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده75- چنانچه حق‌العمل‌کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است بخرد، در برابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق‌العمل‌کار ثابت کند معامله انجام‌شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده76- اگر حق‌العمل‌کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا بـه بیشـتر از قیمتـی کـه آمـر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.

ماده77- در موارد زیر حق‌العمل‌کار می تواند خود طرف معامله قرار گیرد:

1- چنانچه آمر صریحاً به حق‌العمل‌کار إذن داده باشد.

2- چنانچه حق‌العمل‌کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجارتی و یا سایر اوراق بهاداری باشد کـه قیمـت بورسی یا بازاری دارد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده78- در موارد مذکور در ماده (77) اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق‌العمل‌کار قبل از ارسـال خبـر انجـام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی‌تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده79- در موارد مذکور در ماده (77)، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطـلاع دهـد، خـود طـرف معامله محسوب می‌شود.

ماده80- در مواردی که حق‌العمل‌کار خود نمی‌تواند طرف معامله واقع شود، مکلف است طرف معامله را به آمـر معرفی نماید.

ماده81- حق‌العمل‌کار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه مجـاز بـه معاملـه بـه اعتبار نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کرده باشد یا در قرارداد آمر و حق‌العمل‌کار مسؤولیت او مقرر شده باشد یـا عرف تجارتی محل او را مسؤول بشناسد.

مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های حق‌العمل‌کاری

ماده82- مفاد ماده (57) این قانون درباره میزان حق‌العمل نیز مجری است. حـق‌العمـل‌کـار در صـورتی مسـتحق حق‌العمل است که معامله اجراء شده یا عدم اجرای آن به آمر مستند باشد. اگر معاملـه بـه علـل دیگـری کـه مسـتند بـه حق‌العمل‌کار نیست، اجراء نشود، حق‌العمل‌کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است کـه عـرف تجـارتی محـل اجرای حق‌العمل‌کاری معین می‌کند.

ماده83- هزینه‌هایی که صرف آن برای انجام حق‌العمل‌کاری ضروری بوده است، حتی در صورت عدم استحقاق حق‌العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

مـاده84- در مـوارد مـذکور در مـاده(77) ایـن قـانون، حـق‌العمـل‌کـار مسـتحق حـق‌العمـل و مخـارج عـادی حق‌العمل‌کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق‌العمل‌کاری منظور کند.

ماده85- در صورت تقلب حق‌العمل‌کار از جمله در موردی که حق‌العمل‌کـار بـه حسـاب آمـر قیمتـی بیشـتر از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب کند، وی مستحق حق‌العمل نیست. علاوه بـر ایـن، در دو صـورت أخیـر آمر می‌تواند حق‌العمل‌کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده86- حق‌العمل‌کار برای وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله یا قیمتـی کـه أخـذ کـرده است، حق حبس دارد؛ با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی‌تواند بیش از طلب خود را حبس نماید.

فصل چهارم- نمایندگی تجارتی

ماده87- نمایندگی تجارتی عبارت است از تعهد به بازاریابی، انجام مذاکرات مقدماتی، انعقـاد قـرارداد ویـا ارائـه خدمات به‌نام و به‌حساب دیگری، به نحو مستمر، بدون اینکه نماینده، مستخدم یا أجیر طرف دیگر باشد.

ماده88- مقررات این فصل مانع اعمال مقررات مربوط به نمایندگی‌هایی که قانون در مورد آن ها ترتیب دیگری مقرر کرده است، نمی‌باشد.

مبحث اول- حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجارتی

ماده89- نماینده تجارتی می‌تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد از قبول نمایندگی دیگری منع شده باشد. در هر حال، چنانچه نماینده تجارتی نمایندگی شخص دیگری را بپذیرد که در همان موضوع نمایندگی با اعطاءکننده نمایندگی رقابت دارد، این موضوع را باید به اطلاع اعطاءکننده نمایندگی برساند.

ماده90- اعطاءکننده نمایندگی می‌تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتی اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجارتی به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده91- نماینده تجارتی و اعطاءکننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی از جمله پیش‌بینی خود در خصوص حجم معاملات و تغییرات آن و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند.

ماده92- نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او یا اشخاص تحت امر وی نبوده است.

ماده93- نمایندگی تجارتی باید در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسد. در غیر این صورت محل اجرای نمایندگی مهر و موم (پلمب) می‌شود.

ماده94- چنانچه اقامتگاه اعطاءکننده نمایندگی خارج از کشور باشد، نماینده تجارتی نیز مسؤول اجرای قراردادهایی است که به عنوان نماینده با اشخاص ثالث منعقد کرده است.

ماده95- قرارداد نمایندگی از حیث مدت محدود است، مگر این که بر نامحدودبودن آن تصریح شده باشد.

ماده96- در قرارداد نمایندگی محدود، مدت نمایندگی باید در قرارداد نمایندگی تعیین شود و الا مدت نمایندگی دو سال فرض می‌شود.

ماده97- چنانچه اعطاءکننده نمایندگی قرارداد را پیش از موعد فسخ نماید، نماینده مستحق خسارات واردشده خواهد بود، مشروط بر اینکه این فسخ ناشی از تقصیر نماینده نباشد. فسخ قرارداد نمایندگی نامحدود پیش از دو سال از زمان اجرائی شدن قرارداد نیز مشمول همین حکم است.

ماده98- در صورت عدم ایفای تعهدات از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتی، از جمله قطع رابطه نمایندگی به وسیله یکی از طرفین بدون علت موجه، متخلف مسؤول جبران زیانهای واردشده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود، زیان‌دیده باید ظرف مدت یک‌سال از تاریخ قطع رابطه برای مطالبه خسارات واردشده اقامه دعوا کند.

ماده99- قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجارتی به آنها مربوط می‌شود، محدود باشد و الا باطل است. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های نماینده تجارتی

ماده100- میزان اجرت نماینده به موجب قرارداد تعیین می‌شود.

ماده101- نماینده تجارتی حسب اینکه موضوع نمایندگی انجام بازاریابی و یا مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد

یا ارائه خدمات باشد، به ترتیب به‌محض انعقاد قرارداد به‌وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به‌وسیله نماینده، مستحق اجرت می‌شود. چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می‌شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می‌گردید، مستحق اجرت می‌شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجارتی برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف محل اجرای نمایندگی معین می‌کند، مشروط بر آنکه عدم انعقاد یا اجراء مستند به نماینده نباشد.

ماده102- نماینده انحصاری از بابت کلیه اقدامات اعطاءکننده نمایندگی در حدود موضوع قرارداد ویا اشخاصی که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در حوزه نمایندگی انحصاری اقدام کرده‌اند، مستحق اجرت خواهد بود.

ماده103- اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده104- پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجارتی حسب مورد، بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیت‌های نماینده در طول دوره نمایندگی منعقد یا اجراء می‌شوند، مستحق اجرت است.

ماده105- چنانچه طبق ماده(104) این قانون نماینده تجارتی سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاءکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند یا فعالیت او نیز در انعقاد یا اجرای قرارداد مؤثر بوده است که در این صورت بر اساس شرایط و اوضاع و احوال اجرت بین آنان تقسیم می‌شود.

ماده106- اعطاءکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرتهای پرداخت‌نشده را به نماینده تجارتی تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه شده است. همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط باید به فهرست مذکور ضمیمه شود.

ماده107- درموردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت آن را ادامه می‌دهند، تعهدات قراردادی آنها باقی است، مگر آنکه یکی از دو طرف با اخطار قبلی سه‌ماهه آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی‌توانند به مهلتی کمتر از مهلت مذکور توافق کنند و اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی‌شده برای اعطاءکننده نمایندگی نباید کوتاهتر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتی پیش‌بینی شده است. چنانچه قرارداد به علت تقصیر یکی از دو طرف یا حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع منحل شود، مقررات این ماده لازم‌الرعایه نیست. اگر قرارداد برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، مقررات این ماده مجری است.

ماده108- هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی از طرف دیگری نماید، علاوه بر جبران خسارات واردشده، به جزای نقدی درجه سه محکوم می‌شود.

فصل پنجم- حمل‌ونقل

ماده109- قرارداد حمل و نقل قراردادی است که به موجب آن متصدی حمل و نقل در برابر دیگری تعهد می‌کند که در مقابل اجرت، اشخاص ویا کالاهایی را از محلی به محل دیگر حمل کند. شخصی که به نام یا به حساب

وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است، فرستنده و شخصی که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد، گیرنده نامیده می‌شود.

تبصره- کالا شامل هرگونه مال منقول می‌گردد. درموردی که کالا در داخل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس یا بارکف (پالت) یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به‌گونه‌ای بسته‌بندی شده است، کالا شامل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس، بارکف (پالت) و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

ماده110- حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسایل نقلیه زمینی، هوایی، ریلی و یا دریایی تابع مقررات این فصل نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به‌صورت قرارداد اجاره تنظیم شود، مشمول این فصل است.

ماده111- قراردادهای مشمول معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است، مشمول مقررات این فصل نیست. در موارد سکوت این قانون، حسب مورد مقررات معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است تا حدی که بر حمل و نقل داخلی قابل اعمال باشد مجری است.

مبحث اول- حقوق و تکالیف متصدی حمل‌ونقل

ماده112- متصدی حمل و نقل مکلف است کالا را به طور سالم به مقصد برساند. اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل‌ونقل مسؤول قیمت کالا در روز پرداخت و خسارات آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم‌شدن کالا به جنس آن ویا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از دستورات و یا اطلاعاتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل‌رفع مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی بیشتر از قیمت کل کالا را معین کنند اما شرط تحدید خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده113- اگر بسته‌بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل‌ونقل نیز کالا را بدون قید عدم مسؤولیت قبول کند، مسؤول خسارت است.

ماده114- متصدی حمل‌ونقل مطابق این قانون مسؤول خساراتی است که در مدت حمل‌ونقل واقع می‌شود، اعم از اینکه خود مباشر حمل‌ونقل باشد یا متصدی حمل و نقل دیگری را مأمور کرده باشد. در صورت أخیر متصدی حمل‌ونقل حق رجوع به حمل‌کننده ویا متصدی حمل‌ونقل فرعی را دارد.

تبصره- متصدی حمل و نقل فرعی متصدی حمل و نقلی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل اصلی به او واگذار شده است.

ماده115- در مورد خسارات ناشی از تأخیر تسلیم، عیب ویا نقص کالا، متصدی حمل و نقل در حدود ماده(112) این قانون مسؤول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.

تبصره 1- تأخیر در تسلیم هنگامی رخ می‌دهد که کالا در مدت یا تاریخ مورد توافق و درصورت فقدان چنین توافقی، در مدت متعارفی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می‌رود یا قبل از آن، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره 2- اگر از موعد تحویل کالا مطابق تبصره (1) این ماده بیش از شصت روز سپری شده و کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می‌تواند آن را تلف یا گمشده فرض کند.

ماده116- چنانچه کالا بدون هیچ قیدی توسط گیرنده قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی

حمل‌ونقل جز در مورد تدلیس ویا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی حمل‌ونقل مسؤول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به‌فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل‌ونقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز بعد از تحویل‌گرفتن کالا ارسال شود.

ماده117- متصدی حمل‌ونقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده118- اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد ویا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل‌ونقل بابت حمل کالا مطابق قرارداد تأدیه نشود، متصدی حمل‌ونقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به‌طور موقت نزد خود به‌عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه‌های ناشی از این امر بر عهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات ناشی از نقص و عیب نیست، مگر آنکه تقصیر او ثابت شود.

ماده119- گیرنده‌ای که بدواً از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد که کالا را به وی تحویل دهد، مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده120- اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (118) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا هزینه‌هایی که برای کالا شده است از قیمت آن بیشتر شود، متصدی حمل‌ونقل می‌تواند و در صورتی‌که منافع صاحب کالا اقتضاء می‌کند، مکلف است آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده121- اگر کالا در معرض ضایع‌شدن سریع باشد، متصدی حمل‌ونقل باید به‌فوریت کالا را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده122- مسؤولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه‌ای شروع می‌شود که کالا در مبدأ حمل در اختیار او، نماینده یا قائم‌مقام وی قرار می‌گیرد و تا زمانی که در مقصد در اختیار گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

ماده123- مهلت اقامه دعاوی خسارت علیه متصدی حمل‌ونقل، جز در موارد تدلیس و تقصیر سنگین، یک‌سال است. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم‌شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می‌گردید و در مورد سایر خسارات واردشده به کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.

ماده124- متصدی حمل‌ونقل مسؤول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر ویا حوادث خارجی غیرقابل‌پیش‌بینی غیرقابل‌رفع مستند است. در مورد خسارات واردشده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (112) تا (116) و (123) این قانون الزامی است.

مبحث دوم- حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا

ماده125- فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل‌ونقل اطلاع دهد:

1- هویت و نشانی دقیق گیرنده
2- نشانی دقیق محل تحویل کالا
3- تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی
4- وزن و محتوای بسته‌ها
5- زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده
6- مسیر حمل کالا
7- فهرست اشیای گرانبها و قیمت آنها

8- چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای خطرناک، آتش‌زا، تبخیرشونده، فاسدشدنی، خورنده و حیوانات، خطرات احتمالی ناشی از حمل و نیز دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها

9- اسناد لازم برای حمل کالا در صورت اقتضاء

ماده126- خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور در ماده (125) این قانون یا اطلاع‌رسانی نادرست آنها با رعایت موارد زیر بر عهده فرستنده است:

1- در خصوص بند (8) ماده (125) این قانون اگر متصدی از خطرات حمل کالا مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به عدم اطلاع‌رسانی فرستنده استناد نماید.

2- اگر فرستنده مسیر معینی را برای حمل تعیین نکرده باشد متصدی حمل و نقل باید بهترین مسیر را انتخاب کند و در غیر این صورت و نیز در صورتی که خلاف مسیر معین‌شده را بپیماید مسؤول خسارات وارده است مگر آنکه اثبات نماید منافع فرستنده تغییر مسیر را ایجاب می‌نموده و در آن زمان امکان أخذ دستور جدید برایش مقدور نبوده است.

3- چنانچه اسنادی برای حمل کالا لازم باشد، فرستنده مکلف است این اسناد را در اختیار متصدی قرار دهد. مسؤولیت نقص اسناد مذکور یا عدم مطابقت آن با فرستنده است. با این حال اگر متصدی از نقص یا عدم مطابقت اسناد مذکور مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به کامل نبودن یا اطلاع ندادن فرستنده استناد نماید.

ماده127- فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری، بارچینی و تخلیه نادرست برعهده متصدی حمل و نقل است.

ماده128- تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل‌ونقل متحمل شده است، مسترد کند. همچنین تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند توقف حمل یا تغییر مقصد یا تغییر گیرنده کالا را دستور دهد، به شرطی که نسخه اول بارنامه که دربردارنده دستورهای جدید است به متصدی ارائه شده و هزینه دستورهای جدید نیز پرداخت یا تضمین گردد. در این صورت متصدی مکلف به رعایت دستورهای صادرشده است، مشروط بر اینکه امکان اجرای دستورهای مذکور وجود داشته باشد و لطمه‌ای به حقوق فرستندگان و گیرندگان سایر کالاهایی که با همان کالاهای دستوردهنده حمل می‌شوند نزند و موجب تقسیم کالاها نشود.

ماده129- در موارد زیر فرستنده نمی‌تواند از حق مذکور در ماده (128) این قانون استفاده کند:

1- بارنامه به گیرنده تسلیم شده باشد.

2- متصدی حمل‌ونقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند.

3- درصورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

4- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

5- در بارنامه قید شده باشد که حق دراختیار گرفتن کالا به گیرنده منتقل شده است.

ماده130- متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (129) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (2) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل‌ونقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، مگر اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شده باشد و گیرنده آن را به متصدی حمل ارائه کند. همچنین چنانچه گیرنده از گرفتن کالا امتناع ورزد، فرستنده بدون اینکه مجبور به ارائه نسخه اول بارنامه باشد، حق موضوع

ماده (128) این قانون را خواهد داشت. در این صورت گیرنده‌ای که از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی بخواهد که کالا را تحویل وی دهد مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده131- اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل‌ونقل بابت حمل کالا مطالبه می‌کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند. چنانچه مبلغ مطالبه‌شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف، مقررات و یا عرف تجارتی مبلغ لازم‌التودیع را مشخص می‌کند.

ماده132- در هر موردی که بین متصدی حمل‌ونقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا تا ختم دادرسی نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا درصورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورت‌مجلسی حاکی از وضع کالا ویا ضرورت فروش عندالاقتضاء انجام گیرد. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد. چنانچه مبلغ مطالبه‌شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف مبلغی را که تودیع آن لازم است، مشخص می‌کند.

مبحث سوم- بارنامه

ماده133- بارنامه سندی است که بنا بر تقاضای فرستنده توسط متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر می‌شود و بر مالکیت کالا برای دارنده آن، وجود قرارداد حمل و نقل، دریافت کالا توسط متصدی و تعهد وی مبنی بر تسلیم کالا در ازای دریافت آن، دلالت می‌کند.

ماده134- بارنامه، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی حمل و نقل، حداقل باید حاوی اطلاعات ذیل باشد:

1- عنوان «بارنامه»؛

2- مکان و تاریخ صدور سند؛

3- هویت فرستنده؛

4- هویت متصدی حمل و نقل؛

5- هویت گیرنده کالا، اگر بارنامه به نفع حامل نباشد؛

6- مبدأ و مقصد کالا؛

7- اطلاعات ویژه‌ای که کالای موضوع قرارداد را مشخص می‌کند مانند: وزن، حجم، کیفیت بسته‌بندی، تعداد بسته‌ها و هر اطلاع دیگری که برای تعیین ماهیت کالا و قیمت آن لازم است.

8- تاریخ تحویل کالا یا مدتی که کالا باید در آن مدت تسلیم شود و تاریخ بارگیری؛

9- اجرت حمل‌ونقل و هزینه‌های دیگر با بیان این‌که بر عهده فرستنده است یا گیرنده.

10- شرایطی که در قرارداد حمل و نقل بیان شده است از قبیل شرایط ویژه بارگیری یا تخلیه؛ نوع وسیله انتخابی، مسیر تعیین‌شده، حدود مسؤولیت‌ها و اعلام صریح خطرناک بودن کالا در موارد مقتضی؛

11- وضعیت ظاهری کالا.

تبصره 1- بارنامه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از آن که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به فرستنده تسلیم می‌شود. در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

تبصره 2- عدم ذکر مفاد بند (9) این ماده در بارنامه، اماره بر این است که اجرت و سایر هزینه‌ها بر عهده

فرستنده است و متصدی حمل و نقل نمی‌تواند از شخص ثالث ناآگاهی که بارنامه به او انتقال یافته است، اجرت و سایر هزینه‌ها را مطالبه نماید.

تبصره 3- وزارت راه و شهرسازی مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور بارنامه الکترونیک به وسیله متصدیان حمل و نقل ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت بارنامه برای دریافت‌کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده135- بارنامه ممکن است به صورت «قابل انتقال» یا «غیرقابل انتقال» صادر شود. بارنامه قابل انتقال محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن در بارنامه تصریح شده باشد.

ماده136- بارنامه «قابل انتقال» بنابر تقاضای فرستنده ممکن است به حواله‌کرد شخص معین یا به نفع حامل صادر شود. در صورتی که بارنامه به حواله‌کرد شخص معین صادر شده باشد با امضای دارنده در ظهر بارنامه قابل انتقال است. بارنامه‌ای که به نفع حامل صادر شده باشد با قبض و اقباض قابل انتقال است.

ماده137- در بارنامه «غیرقابل انتقال» ذکر نام گیرنده الزامی است و نقل و انتقال آن مشمول این ماده نیست.

ماده138- در صورت انتقال بارنامه، متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه از جمله گیرنده به عدم دریافت کالا و در خصوص بارنامه «بارگیری‌شده» به عدم بارگیری آن وفق بارنامه استناد نماید.

ماده139- فرستنده در برابر متصدی حمل و نقل مسؤول اظهاراتی است که برای درج در بارنامه در مورد مشخصات کالا مانند جنس، وزن و تعداد آن ارائه کرده است. در هر صورت متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه به خلاف واقع بودن اظهارات فرستنده استناد نماید.

ماده140- در صورتی که متصدی حمل و نقل یا نماینده او ظن قوی و موجه در خصوص عدم صحت اظهارات مذکور در بند (7) ماده (134) این قانون از سوی فرستنده، داشته باشد و به دلیل مواردی از قبیل بارگیری شدن یا نحوه بسته‌بندی کالا، امکان شناسایی یا تعیین وزن و سایر خصوصیات آن وجود نداشته باشد، متصدی حمل و نقل یا نماینده او باید مواردی را که ظن به عدم صحت آن دارد به همراه دلایل خود در بارنامه قید نماید. در این صورت متصدی حمل و نقل در برابر فرستنده و شخص ثالث مسؤول خسارات ادعایی در خصوص موارد قیدشده نیست. صدور بارنامه بدون هیچ قیدی، دلالت بر این دارد که کالا به نحو مذکور در بارنامه تحویل گرفته شده است.

ماده141- دریافت بارنامه از سوی فرستنده و عدم اعتراض به مفاد آن به معنای پذیرش موارد مندرج در آن است. در صورت پذیرش بارنامه از سوی فرستنده اگر شرایط بارنامه با شرایط قرارداد حمل و نقل مغایر باشد، شروط مندرج در بارنامه ملاک عمل است.

ماده142- در صورتی‌که بارنامه صادر نشده باشد، فرستنده می‌تواند از متصدی حمل‌ونقل بخواهد رسیدی امضاءشده مبنی بر دریافت کالای موضوع قرارداد حمل‌ونقل را به وی تحویل دهد. رسید مذکور دلالت بر وجود قرارداد حمل و نقل بین طرفین داشته و به هنگام صدور بارنامه باید به متصدی حمل یا نماینده او مسترد گردد.

ماده143- تاریخ صدور بارنامه به عنوان تاریخ حمل تلقی می‌شود، مگر اینکه بارنامه شامل یادداشت بارگیری با درج تاریخ حمل باشد که در این صورت تاریخ درج‌شده در یادداشت بارگیری به عنوان تاریخ حمل تلقی می‌شود. در صورتی‌که صادرکننده بارنامه هنگام تنظیم بارنامه تاریخ آن‌را مقدم بر تاریخ صدور بگذارد در مقابل تحویل‌گیرنده کالا مسؤول کلیه خسارات وارده به‌علت این تغییر تاریخ می‌باشد.

فصل ششم- قرارداد امانت‌گذاری در انبار عمومی

ماده144- امانت‌گذاری در انبار عمومی قراردادی است که به موجب آن انباردار تعهد می‌کند کالایی را در قبال

صدور قبض انبار و قبض وثیقه تحویل گیرد و به حساب دارنده یا دارندگان اسناد مذکور نگهداری کند.

ماده145- قبض انبار و قبض وثیقه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از هریک از آنها که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به امانت‌گذار تسلیم می‌شود. قبض انبار و قبض وثیقه باید دارای شماره انحصاری باشد و نحوه صدور آن به موجب آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (177) این قانون تعیین می‌شود.

ماده146- قبض انبار، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی انبار عمومی، حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

1- عنوان «قبض انبار»؛

2- هویت کامل امانت‌گذار؛

3- هویت شخصی که قبض به نام ویا به حواله‌کرد او صادر می‌شود؛

4- نشانی کامل امانت‌گذار؛

5- جنس، وصف، مقدار یا تعداد و ارزش کالا؛

6- تاریخ تودیع کالا؛

7- نام و نشانی انبار عمومی و هویت متصدی آن؛

8.- هویت و اقامتگاه شرکت بیمه‌گر انبار عمومی؛

9- میزان پوشش بیمه‌ای کالای تودیع‌شده؛

10- تأدیه یا عدم تأدیه حقوق دولتی؛

11- اجرت انباردار، شیوه پرداخت و مسؤول پرداخت آن.

ماده147- قبض وثیقه علاوه بر عنوان «قبض وثیقه» مشتمل بر موارد مذکور در بندهای (2) تا (10) ماده (146) است و باید به صورت الکترونیک به قبض انبار ضمیمه شود.

ماده148- در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

ماده149- متصدی انبار عمومی مسؤول حفظ و نگهداری کالایی است که به وی سپرده شده است. اگر کالای تودیع‌شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی مسؤول جبران خسارت به میزان ارزش اظهارشده در قبض انبار است، مگر این‌که ثابت کند ورود خسارت از حوادث خارجی غیرقابل‌پیش‌بینی غیرقابل رفع ناشی‌شده و یا به عیوب بسته‌بندی خود کالا مربوط بوده است.

ماده150- چنانچه در کالای تودیع‌شده تغییراتی حاصل شود که نگهداری آن موجب افزایش هزینه نگهداری باشد، متصدی انبار مکلف است این امر را به مالک کالا اطلاع دهد.

ماده151- متصدی انبار مکلف است هرگونه ادعای اشخاص ثالث در خصوص مال به وثیقه گذاشته‌شده یا هرگونه توقیف قضائی آنها را به اطلاع ودیعه‌گذار برساند.

ماده152- اگر بسته‌بندی عیب ظاهر داشته و انبار عمومی کالا را بدون قید عدم مسؤولیت در قبض انبار و قبض وثیقه قبول کرده باشد، مسؤول خسارات است.

ماده153- متصدی انبار عمومی باید کالای تودیع‌شده را در قبال مفقود شدن، آتش‌سوزی و سرقت بیمه کند. در صورتی که کالاهای تودیع‌شده قبلاً بیمه شده باشد، متصدی انبار تکلیفی بر بیمه کردن کالاها ندارد مگر بعد از سپری شدن زمان بیمه مذکور یا در صورتی که این بیمه برای پوشش دادن ضررهای احتمالی ناکافی باشد.

ماده154- در صورتی که کالای تودیع‌شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی، دارنده قبض انبار و

قبض وثیقه نسبت به خسارات تأدیه‌شده ازجمله خسارات تأدیه‌شده به وسیله بیمه همان حقوقی را خواهند داشت که نسبت به خود کالاها داشتند.

ماده155- اگر کالای تودیع‌شده در معرض تضییع سریع باشد و استیذان از دارنده قبض انبار مقدور نباشد، ماده (121) این قانون لازم‌الرعایه است.

ماده156- متصدی انبار عمومی به میزان مطالبات خود از صاحب کالا بابت اجرت نگهداری کالا، نسبت به کالاهای تودیع‌شده در انبار و یا حاصل فروش کالا در موارد تعیین‌شده در این فصل، حق حبس دارد.

ماده157- تخلیه و بارگیری کالا در انبارهای عمومی بر عهده متصدی انبار است، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح شده باشد. در هر صورت متصدی انبار مسؤول خساراتی است که از چیدن نادرست کالاها در انبار وارد می‌شود.

ماده158- متصدی انبار عمومی نمی‌تواند تحت هیچ عنوان، خواه به حساب خود یا به حساب دیگری، به فعالیت تجارتی بپردازد که موضوع آن کالاهایی از نوع همان کالایی باشد که وی مجاز به صدور قبض انبار و وثیقه برای آنها است. در غیر این‌صورت به محرومیت از صدور قبض انبار و قبض وثیقه به مدت شش‌ماه تا دوسال و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود. شرکا ویا سهامداران شرکت متصدی انبار عمومی نیز که بیش از ده‌درصد(10%) سرمایه ثبت‌شده شرکت را دارند از انجام فعالیت تجارتی در همان موضوع ممنوع می‌باشند. در غیر این‌صورت به محرومیت از ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتی و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود.

ماده159- متصدیان انبارهای عمومی مکلفند علاوه بر دفاتری که تنظیم و نگهداری آنها به موجب قوانین و مقررات ضروری است، دفتری الکترونیک را به ثبت کلیه کالاهایی که برای نگهداری در انبار عمومی تحویل می‌گیرند، اختصاص دهند. شماره قبض انبار و کلیه مندرجات آن باید به ترتیب تاریخ در این دفتر ثبت گردد. متصدی انبار عمومی باید امکان استعلام الکترونیک اصالت قبض انبار و قبض وثیقه‌ای را که صادر کرده است، برای متقاضی دریافت آن مطابق آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (177) این قانون فراهم نماید.

ماده160- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور قبض انبار و قبض وثیقه الکترونیک به وسیله متصدیان انبارهای عمومی ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت قبوض مذکور برای دریافت‌کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده161- امانت‌گذار باید جنس، نوع، مقدار یا تعداد، ارزش و سایر خصوصیات مؤثر در تعیین ماهیت کالا و نحوه‌ی بسته‌بندی کالای تودیع‌شده را به اطلاع متصدی انبار عمومی برساند.

ماده162- امانت‌گذار، دارنده برگ وثیقه ویا قائم مقام او حق دارد در هر زمان از ساعت کاری انبار، از وضعیت کالایی که در انبار به امانت گذاشته اطلاع حاصل کرده و نمونه‌ای از آن را بررسی نماید؛ مگر آنکه در این خصوص بین طرفین، توافق دیگری وجود داشته باشد.

ماده163- هرگاه کالای امانت گذاشته‌شده‌ای که قبض انبار و قبض وثیقه آن دریافت شده از اشیاء مثلی باشد، امانت‌گذار می‌تواند آن را با کالایی از همان نوع و با همان وصف که در قبض رسید و قبض وثیقه به آنها تصریح شده عوض کند. در این صورت همه حقوق دارنده قبض انبار و قبض وثیقه و امتیازات آنها به کالای جدید تعلق می‌گیرد.

ماده164- امانت‌گذار می‌تواند کالای خود را به مجموعه‌های متعدد تجزیه و برای هریک از مجموعه‌های مذکور قبض انبار و قبض وثیقه جداگانه درخواست کند. همچنین امانت‌گذار یا قائم مقام او می‌تواند با ارائه قبض انبار و قبض وثیقه و در صورت نبود قبض وثیقه با تودیع طلب و متفرعات احتمالی دارنده قبض وثیقه نزد صندوق انبار، قبض انبار

و قبض وثیقه جدید در خصوص تمام یا بخشی از کالاها دریافت نماید.

ماده165- اگر دارنده قبض انبار کالا را بدون هیچ قیدی قبول و مخارج آن را تأدیه کند هیچ دعوایی علیه متصدی انبار عمومی جز در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی انبار عمومی مسؤول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده کالا پس از تسلیم کالا مراتب را فوراً به صورت کتبی به اطلاع متصدی انبار عمومی رسانده باشد. در هر حال این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز پس از تحویل گرفتن کالا ارسال شود. دعاوی خسارت علیه متصدی انبار عمومی حداکثر باید ظرف مدت یکسال اقامه شود. در غیر این صورت مفاد این ماده در خصوص مسؤولیت متصدی انبار عمومی مجری نمی‌باشد. موارد تدلیس و تقصیر سنگین مشمول مهلت مذکور نیست.

ماده166- قبض انبار حسب درخواست امانت‌گذار به نام ویا به حواله‌کرد او صادر می‌شود. شخصی که قبض انبار به نام ویا حواله‌کرد او صادر شده است می‌تواند کالای تودیع‌شده را با ظهرنویسی قبض انبار به دیگری واگذار کند، مگر آنکه قبض انبار به صراحت به صورت غیرقابل انتقال صادر شده باشد. ظهرنویسی قبض انبار با درج تاریخ و هویت منتقل‌ٌالیه و امضای ظهرنویس و درج مراتب مربوط به انتقال یا عدم انتقال قبض وثیقه به همراه قبض انبار به عمل می‌آید. شخصی که قبض انبار به نفع وی ظهرنویسی شده است می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی در دفتر انبار ثبت گردد.

تبصره- انتقال مالکیت کالا در هیچ مورد به حقوق کسی که قبض وثیقه به نفع او ظهرنویسی شده است لطمه‌ای نمی‌زند.

ماده167- صرفاً دارنده قبض وثیقه می‌تواند کالای تودیع‌شده را از طریق ظهرنویسی آن به وثیقه دهد. ظهرنویسی قبض وثیقه با درج تاریخ، هویت منتقل‌ٌالیه و امضای ظهرنویس به عمل می‌آید. ظهرنویس می‌تواند مبلغی را که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته می‌شود، در قبض وثیقه درج نماید. در غیر این صورت، چنین فرض می‌شود که مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است با ارزش اظهارشده آن در قبض انبار و وثیقه برابر است.

ماده168- شخصی که قبض وثیقه برای اولین بار به نفع وی ظهرنویسی شده است باید با اظهار قبض مذکور درج مراتب در دفتر انبار عمومی و تأیید آن بر روی قبض را از متصدی انبار عمومی بخواهد. ایادی بعدی که قبض وثیقه به نفع آنان ظهرنویسی شده باشد می‌توانند درخواست نمایند که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده169- کسی که قبض انبار یا قبض وثیقه به نفع وی ظهرنویسی شده باشد می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده170- دارنده قبض انباری که قبض وثیقه همان قبض در تصرف وی نیست می‌تواند تمام یا بخشی از کالا را مسترد کند، مشروط بر آنکه مبلغی را که قبض وثیقه بابت آن به وثیقه‌گذارده شده و نزد انباردار به ثبت رسیده است نزد صندوق انبار تودیع کند.

ماده171- هرگاه قبض انبار بدون قبض وثیقه به متصدی انبار عمومی ارائه شود و وثیقه‌بودن کالا در دفاتر انبار عمومی یا قبض انبار ثبت نشده باشد، متصدی انبار عمومی باید تقاضای استرداد کالا را در دفاتر انبار ثبت کرده و به هزینه متقاضی در روزنامه کثیرالانتشار و سامانه الکترونیک انبار عمومی منتشر نماید. اگر قبض وثیقه تا سی روز پس از انتشار به متصدی انبار عمومی ارائه نشود، وی باید کالا را به دارنده قبض انبار مسترد کند. در این‌صورت متصدی انبار عمومی و دارنده ناآگاه قبض انبار مسؤولیتی در مقابل ارائه‌کننده قبض وثیقه ندارند.

ماده172- چنانچه طلبی که کالای تودیع‌شده در قبال آن به وثیقه گذاشته شده است در موعد مقرر پرداخت نشود، دارنده قبض وثیقه می‌تواند از طریق مؤسسه حراجی کالای تودیع‌شده را بفروشد، مشروط برآنکه مراتب نخستین ظهرنویسی قبض وثیقه طبق صدر ماده (168) این قانون ثبت شده باشد. دارنده قبض وثیقه برای وصول طلب خود از محل حاصل فروش پس از کسر حقوق دولتی احتمالی و هزینه‌های انبارداری و فروش بر سایر بستانکاران مقدم است.

ماده173- هرگاه قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج از مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است کم‌تر شود، وی می‌تواند برای وصول مابه‌التفاوت به هریک از ظهرنویسان قبض وثیقه رجوع کند، مشروط بر آنکه حداکثر ظرف مدت سی‌روز از زمان سررسید طلب فروش کالای تودیع‌شده را تقاضا کرده و از فروش آن بیش از پانزده روز سپری نشده باشد. در صورت عدم رعایت مواعد مذکور، حق رجوع به ظهرنویسان را ندارد و فقط می‌تواند به ید ماقبل خود رجوع نماید.

ماده174- اگر قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج بیش از مبلغی شود که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است، مازاد توسط مؤسسه حراجی به دارنده قبض انبار تسلیم می‌شود و در صورتی که وی به هنگام فروش کالا حاضر نباشد، مبلغ مذکور در صندوق انبار تودیع خواهد شد.

ماده175- اگر امانت‌گذار یا قائم‌مقامان وی پس از انقضای مدت امانت‌گذاری به استرداد کالای تودیع‌شده اقدام نکنند، متصدی انبار عمومی می‌تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند. در صورتی که قرارداد امانت‌گذاری فاقد مدت باشد، پس از گذشت یک‌سال از تسلیم کالای تودیع‌شده ترتیب مذکور قابل اجراء است، مگر این‌که دارنده قبض انبار قبل از انقضای یک‌سال، استرداد کالا یا تجدید قرارداد امانت‌گذاری را از متصدی انبار عمومی بخواهد یا در قرارداد به نحو دیگری مقرر شده باشد. در مورد فروش کالای سریع‌الفساد ترتیب مقرر در ماده (121) این قانون مجری می‌باشد.

ماده176- شخصی که قبض انبار یا قبض وثیقه او تلف، گم یا غیرقابل استفاده شود، می‌تواند الزام متصدی انبار عمومی به صدور نسخه المثنای قبض انبار ویا قبض وثیقه را به موجب دادخواست از دادگاه محل انبار عمومی تقاضا نماید. دادگاه متقاضی را مکلف خواهد کرد تا موضوع را در دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار به فاصله ده روز منتشر نماید. اگر تا ظرف ده روز از انتشار آگهی دوم اعتراضی صورت نگیرد، دادگاه پس از احراز صحت ادعای متقاضی و دریافت ضامن معتبر یا وثیقه، حکم به صدور نسخه المثنی خواهد نمود. اگر بعد از گذشت یک‌سال از سررسید امانت و چنانچه امانت‌گذاری بدون مدت باشد دو سال از تاریخ امانت‌گذاری، کسی برای بازپس‌گیری کالا اقدام نکرد، ذمه ضامن بری یا وثیقه آزاد می‌شود.

ماده177- تأسیس و بهره‌برداری از انبارهای عمومی موضوع این فصل به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نظارت بر انبارهای عمومی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش‌ماه به‌وسیله وزارت مذکور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده178- کلیه انبارهایی که به عنوان انبار عمومی فعالیت می‌کنند مکلفند ظرف مدت شش‌ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه مذکور در ماده قبل به أخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام کنند یا وضع خود را با مقررات آن تطبیق دهند. پس از انقضای مهلت مذکور تأسیس و یا بهره‌برداری از انبارهای عمومی بر خلاف مقررات این قانون ممنوع و متخلف به جزای نقدی معادل نصف قیمت کالاهایی که در انبار نگهداری می‌کند محکوم می‌شود. دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم محکومیت، دستور تعطیلی انبار و تودیع کالاهای موجود در آن در یکی از انبارهای

دارای مجوز فعالیت یا استرداد آنها به صاحبان کالاها را صادر کند. به‌علاوه رأی دادگاه که متضمن تعیین انبـاردار جدیـد است باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

فصل هفتم- وثیقه تجارتی

ماده179- از بابت هر دین یا تعهد می توان وثیقه گرفت.

ماده180- شخص ثالث می‌تواند مال خویش را وثیقه دین یا تعهد دیگری قرار دهد.

ماده181- وثیقه از دین یا تعهدی صحیح است که موجود بوده یا سبب آن ایجاد شده باشد.

ماده182- وثیقه‌گذار باید به محض انعقاد عقد مال مورد وثیقه را به وثیقه‌پذیر تسـلیم کنـد، مگـر آنکـه بـه نحـو دیگری توافق شده باشد. در مورد اموالی که دارای سند رسمی است وثیقه‌پذیر صرفاً می‌تواند الزام وثیقه‌گـذار بـه تنظـیم سند رسمی وثیقه را از دادگاه بخواهد، مگر این که تسلیم مادی آن مال نیز شرط شده باشد.

ماده183- علم به جنس، وصف و مقدار مالی که به وثیقه گذاشته می‌شود و علـم بـه مقـدار، اوصـاف و شـرایط دینی که وثیقه در مقابل آن أخذ می‌شود شرط صحت عقد نیست.

ماده184- هر مال منقول یا در حکم منقولی مانند مطالبات، ورقه اختراع و حق سرقفلی می‌تواند مورد وثیقه قـرار گیرد، مشروط بر این‌که قابل واگذاری به غیر باشد.

تبصره- مقررات این فصل شامل رهن اموال غیرمنقول ذاتی نیست.

ماده185- وثیقه درمقابل کل طلب و متفرعات آن محسوب است، مگر بر خلاف آن شرط شـده باشـد. هـر گـاه ثالثی مال خود را به عنوان وثیقه داده باشد، توقف تعلق متفرعات طلب به دین اصلی موجب توقف تعلـق متفرعـات بـر مال مورد وثیقه نیز می‌باشد.

ماده186- در صورت تسلیم وثیقه به وثیقه‌پذیر، وی به درخواست وثیقه‌گذار باید به او رسـیدی دهـد کـه در آن ماهیت چیزی که به وثیقه گذاشته شده است و نوع و مقدار و دیگر صفات مشخص‌کننده آن بیان شده باشد.

ماده187- اگر چند مال از بابت یک دین یا تعهد به وثیقه گذاشته شده باشـد، حـق تعیـین مـالی کـه بـه فـروش گذاشته می‌شود از آن وثیقه‌پذیر است، مگر این که به گونه دیگری توافق شده باشد.

ماده188- هرگاه مالی مثلی به وثیقه گذاشته شود، وثیقه‌گذار می‌تواند مال مورد وثیقه را بـا مـالی دیگـر از همـان نوع عوض کند. در صورتی که مال قیمی باشد، وثیقه‌گذار با رضایت وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را عوض کند.

ماده189- هر توافقی که به وثیقه‌پذیر حق دهد در صورت عدم پرداخت دین در سررسید آن مال وثیقـه را بـدون رعایت تشریفات مقرر در این قانون بفروشد یا تملک کند، باطل است.

ماده190- در مورد اموال دارای سند رسمی، چنانچه وثیقه بودن مال به طور رسمی به ثبت نرسد وثیقه در مقابـل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. وثیقه‌گذاری اسناد با نام از قبیل اوراق سهام و قبوض وثیقه، علاوه بر ظهرنویسی، بایـد در دفتری که اسناد مذکور در آن به ثبت رسیده ثبت و تأییدیه ثبت در دفاتر مـذکور بـر روی سـند مـنعکس گـردد و الا وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در خصوص وثیقه‌گذاری سایر اموال، قرارداد وثیقـه بایـد در سـامانه‌ای متمرکز نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که به این منظور ایجاد می‌شود به ثبت برسد و مراتب در وثیقه بـودن مـال، جنس، وصف و مقدار آن برای عموم قابل دسترس باشد. ثبت قرارداد وثیقه در سامانه مذکور بر عهـده وثیقـه‌گذاراسـت. پس از ایجاد این سامانه وثیقه بدون ثبت در سامانه مذکور در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. نحوه اجـرای ایـن

ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و ظرف یک‌سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره- وثیقه‌گذاری اسناد براتی (برات، سفته و چک) مشمول مقررات این فصل نیست.

ماده191- حقوق کارگران تا سقف پنج برابر حداقل حقوق هر سال بر هر طلب موثقی مقدم است.

ماده192- هرگاه مال مورد وثیقه مستحقٌ‌للغیر درآید و مالک عقد را تنفیذ نکند، وثیقه‌پذیر می‌تواند تسلیم بدل مال مذکور را به عنوان وثیقه از طرف دیگر درخواست کند. اگر تسلیم بدل به هر نحوی ممکن نشود، دین حال می‌شود.

ماده193- موارد سکوت این فصل بر مقررات قانون مدنی در باب رهن محمول است.

ماده194- در صورت عدم تأدیه دین تا سی روز پس از سررسید، وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند.

فصل هشتم- معامله از طریق حراجی

ماده195- حراجی عبارت است از عرضه مال با قیمت پایه مشخص و فروش آن به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت حضوری ویا برخط.

ماده196- مؤسسه حراجی شرکتی تجارتی است که اموال منقول اشخاص را از طریق حراجی به فروش می‌رساند.

ماده197- تأسیس و بهره‌برداری از مؤسسات حراجی موضوع این فصل و هرگونه اشتغال به عملیات حراجی به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نحوه نظارت، نحوه فعالیت و برگزاری جلسه حراجی و همچنین تعرفه اجرت مؤسسه حراجی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ تصویب این قانون به‌وسیله وزارت مذکور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده198- مؤسسه حراجی مکلف است علاوه بر دفاتر قانونی دفتر الکترونیک دیگری به نام دفتر حراجی داشته باشد. در این دفتر هویت متقاضیان فروش اموال، نوع اموال، تصویر اسناد ارائه‌شده برای اثبات مالکیت یا استحقاق متقاضی، آگهی ارائه‌شده در خصوص فروش، نتیجه برگزاری عملیات حراجی و هویت خریدار در صورت فروش کالاها، به ترتیب وقوع و مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (197) این قانون در آن ثبت و ضبط شود.

ماده199- مؤسسه حراجی، مدیر یا مدیران و کارکنان آن، اقربای نسبی درجه اول و دوم از طبقات اول و دوم و اقربای سببی درجه اول و دوم آنان، اشخاص حقوقی که مؤسسه حراجی بیش از پنج‌درصد(5%) سهم آن را دارا باشد و اشخاصی که بیش از پنج درصد سرمایه مؤسسه حراجی را دارا باشند، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، حق شرکت در مزایده کالاهای به فروش گذاشته‌شده از طریق مؤسسه حراجی را ندارند. در غیر این صورت، مؤسسه حراجی علاوه بر لغو مجوز به جزای نقدی به میزان مال خریداری‌شده محکوم می‌شود. کلیه معاملات موضوع این ماده باطل است.

ماده200- مؤسسه حراجی قبل از دریافت مال یا استیلای بر آن به نحوی که قابل تسلیم به خریدار باشد، حق اجرای تشریفات حراجی و فروش آن را ندارد. همچنین مؤسسه حراجی باید در حدود متعارف اطمینان حاصل نماید که طبق اسناد ارائه‌شده از سوی متقاضی از قبیل سند مالکیت، فاکتور خرید، سند وثیقه، بارنامه، قبض انبار و قبض وثیقه و نیز استعلام از مراجع ذی‌ربط عندالاقتضاء مانع قانونی بر انتقال مال وجود ندارد. در هر حال، استعلام از سامانه موضوع ماده (190) این قانون ضروری است. در صورت تخلف مؤسسه حراجی از مقررات این ماده، وی مسؤول

خسارات واردشده می‌باشد.

ماده201- تعیین قیمت پایه در صورتی که مالک مال متقاضی فروش باشد با توافق او تعیین می‌شود. در مواردی که در این قانون فروش مال به مؤسسه حراجی ارجاع شده است، تعیین قیمت پایه برعهده مؤسسه حراجی است. در این خصوص، مؤسسه حراجی تکالیف و مسؤولیت کارشناس رسمی دادگستری را دارد.

ماده202- مؤسسه حراجی مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر هزینه حراجی و سایر هزینه‌هایی که حسب مورد در قانون پیش‌بینی شده است، با رعایت ماده (218) این قانون به ذی‌نفع پرداخت و قبض رسید آن را أخذ می‌کند. در صورتی که نقل و انتقال اموال مشمول مالیات باشد، مؤسسه حراجی قبل از پرداخت مبلغ نسبت به کسر آن اقدام می‌کند در غیر این صورت مسؤول پرداخت می‌باشد.

ماده203- در موارد زیر مؤسسه حراجی در مقابل ذی‌نفع مسؤول پرداخت خسارات است:

1- فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

2- مؤسسه حراجی بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نماید.

3- در مواردی که اطلاع یا إذن دادستان ضروری است کالا را بدون اطلاع دادستان یا إذن او بفروش برساند.

4- خریدار طبق ماده (199) این قانون ممنوع از خرید بوده باشد.

5- تعیین قیمت پایه به میزان نامتعارفی کمتر از قیمت متعارف در مواردی که تعیین قیمت بر عهده مؤسسه حراجی باشد.

6- مؤسسه حراجی با دیگران برای اخلال در عملیات حراجی به هر نحو تبانی کرده باشد.

ماده204- مؤسسه حراجی نمی‌تواند از فروش اموالی که طبق قوانین و مقررات فروش آن به مؤسسه حراجی ارجاع شده است خودداری نماید. در صورت تخلف، مجوز فعالیت مؤسسه لغو و مؤسسه حراجی تا سه سال از ثبت خود در دفتر ثبت تجارتی ممنوع می‌باشد.

ماده205- در شهرستان‌هایی که مؤسسه حراجی تشکیل نشده و حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، متقاضی حراج می‌تواند فروش کالا را از واحد اجرای ثبت اسناد و املاک مستقر در محل درخواست نماید. در این موارد، واحد اجرای ثبت با رعایت مقررات و تشریفات بیان‌شده در این فصل کالاها را می‌فروشد.

ماده206- در خصوص اموال منقولی که فروش آن طبق این قانون به مؤسسات حراجی ارجاع شده است، رعایت تشریفات و احکام مقررشده در مواد (207) تا (220) این فصل ضروری است.

ماده207- قبل از انجام هر گونه حراجی، آگهی فروش باید درروزنامه‌ای که آگهی‌های مؤسسه حراجی در آن قید می‌شود و یا سامانه الکترونیک مؤسسه حراجی، و نیز سامانه یکپارچه حراجی منتشر شود. همچنین آگهی حراجی باید در مؤسسه حراجی به نحوی که در دید عموم باشد، تا اتمام عمیات حراجی الصاق گردد. آگهی مذکور باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

1ـ مشخصات مؤسسه حراجی؛

2- نوع مال موضوع حراجی و توصیف اجمالی آن؛

3- روز و محل و ساعت شروع حراجی؛

4- قیمتی که حراجی از آن شروع می‌شود.

تبصره- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف مدت یک‌سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، با راه‌اندازی سامانه یکپارچه حراجی، امکان ثبت آگهی‌های حراج موضوع این ماده را به نحوی که اطلاعات آن به شکل روزآمد برای عموم قابل دسترسی باشد فراهم نماید. آگهی‌های مندرج در سامانه باید تا اتمام عملیات حراجی بر روی سامانه قابل دسترس باشد.

ماده208- فاصله انتشار آگهی تا روز حراج نباید از پانزده روز کمتر و از یک‌ماه بیشتر باشد. چنانچه افراد مالک یا متقاضی مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال مورد حراج باشند با نظارت مؤسسه حراجی می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. در صورت أخیر، مفاد آگهی‌های انجام‌شده نباید متفاوت با آگهی منتشرشده از سوی مؤسسه حراجی باشد.

ماده209- مؤسسه حراجی مکلف است قبل از فروش مال از طریق حراجی مراقبت کامل نماید که تشریفات لازم به ویژه مندرجات آگهی طبق مقررات صحیحاً انجام شده باشد. در هر صورت، عدم رعایت تشریفات موجب ابطال عملیات حراج نیست، مگر این که وجود تبانی بین مؤسسه حراجی و خریدار محرز گردد. مسؤولیت خسارات ناشی از عدم رعایت تشریفات مقرر بر عهده مؤسسه حراجی و خریدار با سوءنیت می‌باشد.

ماده210- حراج باید در محل مؤسسه حراجی صورت گیرد. در صورت تراضی بین مالک و متقاضی فروش، می‌توان محل دیگری برای حراجی تعیین نمود.

ماده211- حراج اموال فاسدشدنی، حیوانات، طیور و اموالی که دارای قیمت بازاری یا بورسی هستند، می‌تواند بدون رعایت تشریفات، در محل وقوع اموال و با اطلاع دادستان یا نماینده او به عمل آید.

ماده212- حراجی به نحو حضوری و یا برخط است و در یک جلسه و در وقت اداری برگزار می‌شود. شرکت در عملیات حراجی برای عموم آزاد است. مؤسسه حراجی مکلف است پنج روز قبل از تاریخ تعیین‌شده برای فروش مال، آن را به نحو مناسب و متعارفی به رؤیت مشتریانی که مراجعه می‌کنند برساند. درخواست مالک یا متقاضی حراجی برای تقدم و تأخر در فروش اموال موضوع حراجی پذیرفته می‌شود.

ماده213- فروش از طریق مؤسسه حراجی به صورت نقدی است. شخصی که در نتیجه ارائه پیشنهاد بالاترین قیمت، خریدار واقع می‌شود باید تمام قیمت را نقداً تسلیم کند. اگر خریدار از پرداخت وجه خودداری نماید یا تقاضای فروش نسیه کند و ذی‌نفع فروش نسیه را قبول نکند، مال با رعایت تشریفات مقرر مجدداً به حراج گذارده می‌شود. در این صورت متقاضی می‌تواند برای هزینه حراج مجدد به مستنکف رجوع کند. به علاوه چنانچه مال به قیمت پایین‌تری به فروش رسد، خریدار مستنکف، مسؤول تفاوت است و در صورت عدم فروخته شدن مال مبلغ یک‌دهم پیشنهادی به عنوان مجازات در حق ذی‌نفع از مستنکف قابل وصول است. در مواردی که فروش مال به جهت تسویه دین باشد متقاضی حراجی صرفاً می‌تواند در حدود طلب خود فروش به وعده را اجازه دهد.

ماده214- در خصوص اموال سریع‌الفساد یا اموالی که نگهداری آن هزینه نامتناسبی تحمیل می‌کند ویا در صورتی که مصلحت صاحب کالا چنین اقتضاء نماید و دسترسی به صاحب کالا در موارد مذکور وجود نداشته باشد، هرگاه امکان فروش نقدی وجود نداشته باشد، با اجازه دادستان یا نماینده او می‌توان پرداخت بهای اموال را به وعده قرار داد.

تبصره- اموال مذکور در این ماده در صورت إذن دادستان مشمول ممنوعیت ماده (199) این قانون نمی‌باشد.

ماده215- هزینه حراج بر عهده متقاضی است. متقاضی می‌تواند پس از فروش مال هزینه‌های پرداخت‌شده را از عواید ناشی از فروش بردارد.

ماده216- اگر مال مورد حراج به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مجدداً تقاضای حراج کند. حراجهای بعدی نیز تابع تشریفات مقرر در این قانون است، لکن متقاضی نمی‌تواند هزینه بیش از دوبار حراج را از محل فروش مال مطالبه کند.

ماده217- در مواردی که فروش مال برای وصول طلب است، چنانچه در حراجی دوم نیز مال به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مال مورد حراجی را به قیمتی که ارزیابی شده است، قبول نماید.

ماده218- مؤسسه حراجی پس از فروش مال، طلب متقاضی و هزینه‌های حراج را از محل حاصل فروش به متقاضی پرداخت می‌کند و چنانچه مبلغ اضافه‌ای باقی بماند، آن را به مالک و در صورت عدم حضور مالک یا عدم احراز مالکیت وی در حساب مربوط به صندوق مؤسسه حراجی نزد یکی از بانکهای مجاز دولتی به نام ذی‌نفع، به صورت کوتاه‌مدت تودیع و مراتب را به وی اطلاع می‌دهد.

ماده219- دادستان یا نمایندگان او می‌توانند در هر زمان با حضور در مؤسسات حراجی از جزئیات اقدامات مؤسسه در خصوص هر یک از معاملات و عملیات حراجی کسب اطلاع کنند. این امر نباید موجب اخلال در روند عادی فعالیت مؤسسه حراجی گردد.

ماده220- در مواردی که حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، مؤسسه حراجی باید پنج روز قبل از فروش و فوراً پس از فروش به نحو مقتضی مراتب را به اطلاع مالک برساند. متقاضی فروش باید اطلاعات مربوط به مالک را طبق مستندات موجود به مؤسسه حراجی اعلام نماید.

فصل نهم - اجاره به شرط تملیک (لیزینگ)

ماده221- قرارداد اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) قراردادی است که طبق آن شخصی مال متعلق به خود یا مالی را که طبق قرارداد تأمین به او واگذار شده است به دیگری اجاره می‌دهد، به نحوی که در پایان مدت اجاره یا هر زمان که شروط مندرج در قرارداد تحقق یابد، مستأجر مورد اجاره را مالک گردد.

تبصره 1- قرارداد تأمین قراردادی است که به موجب آن شخصی مالی را از شخص دیگری که تأمین‌کننده نام دارد، به قصد اجاره دادن آن به شرط تملیک خریداری کرده است.

تبصره 2- هر قرارداد دیگری نیز که متضمن نتیجه اجاره به شرط تملیک باشد، تابع مقررات این فصل است، اگرچه عنوان آن اجاره به شرط تملیک نباشد.

ماده222- اشتغال به عملیات واسپاری(لیزینگ) منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است.

ماده223- قرارداد اجاره به شرط تملیک بدون تأمین‌کننده فرض می‌شود، مگر این که ثابت شود موجر مورد اجاره را از تأمین‌کننده خریداری کرده است.

ماده224- چنانچه موجر مال را طبق قرارداد تأمین، تهیه کرده باشد، این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد. همچنین هر مالی که موجر در خصوص آن قرارداد اجاره به شرط تملیک منعقد می‌کند این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد.

ماده225- قرارداد اجاره به شرط تملیک، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

1- هویت موجر؛

2- هویت مستأجر؛

3- هویت تأمین‌کننده در صورت وجود؛

4- مشخصات مال مورد اجاره؛

5- مدت قرارداد؛

6- مبلغ اجاره و شیوه پرداخت آن.

ماده226- تعیین مدت قرارداد برعهده طرفین است، لکن این مدت نمی‌تواند از سی‌درصد(30%) عمر متعارف موضوع قرارداد کمتر باشد در غیر این صورت، دادگاه، به درخواست مستأجر، مدت قرارداد را تا حداقل مذکور در این ماده افزایش می‌دهد و اجاره بها را متناسب با آن تعیین می‌نماید.

ماده227- کلیه تعهداتی که تأمین‌کننده طبق قرارداد تأمین در مقابل خریدار بر عهده گرفته است، در صورت انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، از سوی مستأجر نیز قابل مطالبه است. موجر مکلف است یک نسخه از قرارداد تأمین را به ضمیمه قرارداد اجاره به شرط تملیک به مستأجر تحویل دهد.

ماده228- پس از انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، موجر و تأمین‌کننده نمی‌توانند مفادی از قرارداد تأمین را که با حقوق مستأجر در ارتباط است تغییر دهند، مگر با رضایت مستأجر.

ماده229- هزینه‌های تعمیر و نگهداری و همچنین انجام تکالیفی که طبق قوانین و مقررات مربوط به اجاره برعهده موجر می‌باشد، در قرارداد اجاره به شرط تملیک بر عهده مستأجر خواهد بود.

ماده230- قبول مال زمانی صورت می‌گیرد که مستأجر انطباق مال با قرارداد را به موجر اطلاع دهد یا پس از داشتن فرصتی مناسب برای آزمایش آن را رد ننماید.

تبصره- هرگونه شرطی که تشخیص تخلف از مفاد قرارداد یا انطباق مورد اجاره با شرایط مورد توافق را بر عهده موجر یا تأمین‌کننده یا اشخاص ثالث تعیین‌شده از سوی آنان قرار دهد، باطل است.

ماده231- حقوق قراردادی موجر بدون رضایت مستأجر قابل انتقال به غیر است. در صورت انتقال حقوق مزبور، مستأجر می‌تواند به هر آنچه که می‌توانست علیه موجر تمسک کند علیه منتقل‌ٌالیه نیز استناد کند. تصرفات موجر در حدی که با حق مستأجر منافات داشته باشد باطل است.

ماده232- تعهدات موجر قابل واگذاری نیست، مگر با رضایت مستأجر. معذلک مستأجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده233- حقوق و تعهدات قراردادی مستأجر قابل انتقال به غیر نیست، مگر با رضایت موجر و رعایت حقوق اشخاص ثالث. موجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده234- هریک از موجر و تأمین‌کننده در برابر مستأجر مستقلاً مسؤول ضمان درک کل مال مورد اجاره هستند.

ماده235- مستأجر باید از مورد اجاره به نحو متعارفی بهره‌برداری نماید. چنانچه طبق قرارداد دستورالعمل خاصی برای نگهداری مال تعیین شده باشد، مستأجر مکلف است طبق دستورالعمل مذکور عمل نماید. در هر صورت دستورالعمل توافق‌شده برای نگهداری نمی‌تواند غیرمتعارف باشد و در صورت غیرمتعارف بودن این دستورالعمل، معیار تخلف مستأجر از نگهداری مال عرف است.

ماده236- وجه التزام تأخیر یا عدم اجرای تعهد، خسارت تأخیر، جریمه دیرکرد یا هر عنوان دیگری که برای دریافت خسارت از مستأجر در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و میزان مبلغ پیش پرداخت مستأجر نمی‌تواند از سقف نرخهایی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار به این منظور تعیین می‌شود بیشتر باشد. هرگونه

توافقی بیشتر از نرخهای اعلام‌شده باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده237- مستأجر مکلف است مطابق قرارداد نسبت به پرداخت اقساط اقدام نماید. چنانچه در طول مدت اجاره مستأجر چهار قسط متوالی را نپردازد، موجر حق فسخ قرارداد را دارد. هر توافقی که در این مورد شرایط سخت‌گیرانه‌تری را مقرر کند، باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

تبصره- چنانچه عدم پرداخت اقساط به دلیل حادثه غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل‌رفع باشد، مدت بروز حادثه مذکور به مهلت مذکور در این ماده اضافه می‌گردد.

ماده238- موجر می‌تواند در قرارداد امکان بازرسی و بازدید از مورد اجاره را شرط نماید، لکن این شرط نباید با استفاده متعارف مستأجر در تعارض بوده یا تکالیف غیر متعارفی را بر او تحمیل نماید. هزینه بازرسی و بازدید از مورد اجاره بر عهده موجر خواهد بود.

ماده239- مستأجر مکلف است هرگونه اتفاقی را که منجر به کاهش شدید ارزش مورد اجاره شده است، در مدت سی روز به موجر اطلاع دهد.

ماده240- در پایان مدت اجاره، موجر مکلف است نسبت به تنظیم اسناد مالکیت مورد اجاره به نام مستأجر یا شخصی که او معرفی می‌کند اقدام نماید. موجر جز در موارد مصرح در این فصل نمی‌تواند از انجام این تعهد استنکاف یا انجام آن را به انجام تعهدات غیرمتقابل مستأجر، همانند پرداخت خسارت و جریمه، موکول نماید.

ماده241- حق مستأجر نسبت به عین مستأجره مقدم بر حق بستانکاران موجر است. بستانکاران مستأجر قبل از حصول مالکیت مستأجر نسبت به عین مستأجره حقی نسبت به عین آن ندارند.

ماده242- پس از تحویل مورد اجاره و قبول آن از سوی مستأجر جبران هرگونه خسارت وارده بر مورد اجاره برعهده مستأجر است، مگر اینکه خسارت وارده به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل‌رفع مستند باشد و در قرارداد شرط مسؤولیت مطلق مستأجر نشده باشد.

ماده243- چنانچه مورد اجاره تلف شود، قرارداد منفسخ می‌شود. هرگاه تلف مورد اجاره بر اثر حادثه غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل‌رفع باشد، مستأجر مسؤولیتی در قبال تلف عین مستأجره ندارد، لکن نمی‌تواند اجرت‌المسمی‌های پرداخت‌شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت‌المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده244- هرگاه تلف مورد اجاره مستند به مستأجر باشد، مستأجر مسؤول جبران زیانهای واردشده به عین مستأجره است و نمی‌تواند اجرت‌المسمی‌های پرداخت‌شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت‌المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده245- چنانچه تلف مورد اجاره منتسب به ثالث باشد، وی مکلف است خسارات وارد شده به موجر و مستأجر را جبران کند. در هر صورت، مجموع خسارات پرداختی از سوی شخص ثالث نمی‌تواند از قیمت کل مال تلف‌شده بیشتر باشد.

ماده246- موجر نمی‌تواند جز در مورد عدم رعایت تکالیف مستأجر مطابق مقررات این فصل، حق فسخ قرارداد را شرط کند.

ماده247- درج هرگونه شرط در قرارداد که برای مستأجر مزایایی کمتر از مزایای مندرج در این فصل مقرر کند، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده248- موارد سکوت در این فصل تابع عقد اجاره است.

فصل دهم- نمایندگی توزیع

ماده249- نمایندگی توزیع قراردادی است که به موجب آن شخصی که تأمین‌کننده نامیده می‌شود در برابر شخص دیگر که توزیع‌کننده نامیده می‌شود تعهد می‌کند کالا یا کالاهایی را، به نحو مستمر، برای او تأمین کند تا وی بتواند آنها را در منطقه جغرافیایی توافق‌شده به نام و حساب خود به فروش رساند.

ماده250- قرارداد نمایندگی توزیع می‌تواند به شکل انحصاری یا غیرانحصاری منعقد گردد. در صورتی که طبق قرارداد نمایندگی توزیع تأمین‌کننده نیز مجاز باشد که در منطقه جغرافیایی مورد توافق کالا را مستقیماً عرضه نماید، قرارداد منعقدشده «قرارداد نمایندگی توزیع مشترک» نامیده می‌شود.

ماده251- چنانچه در قرارداد نمایندگی توزیع قلمرو جغرافیایی عرضه کالا تعیین نشده باشد، در قراردادهای توزیع بین‌المللی کشور محل اقامت توزیع‌کننده و در قراردادهای توزیع داخلی شهر محل اقامت توزیع‌کننده به‌عنوان «قلمرو جغرافیایی عرضه کالا» محسوب است.

ماده252- مواد (93) تا (98) و (107) این قانون در خصوص قرارداد نمایندگی توزیع نیز مجری است.

ماده253- توزیع‌کننده مجاز نیست هیچ اقدامی به نام ویا حساب تأمین‌کننده انجام دهد، مگر اینکه در آن مورد خاص بر وکالت توزیع‌کننده توافق شده باشد.

ماده254- اگر در طول مدت اجرای قرارداد نمایندگی توزیع، توزیع‌کننده مشتریانی را به تأمین‌کننده معرفی نماید تا مستقیماً کالا را از او خریداری نمایند، مستحق اجرت متعارف طبق شرایط نماینده تجارتی خواهد بود، مگر اینکه در قرارداد بر خلاف آن توافق شده باشد. در هر صورت این اقدام توزیع‌کننده موقعیت او را به نماینده تجارتی تغییر نمی‌دهد.

ماده255- در صورتی که قرارداد نمایندگی توزیع انحصاری منعقد شده باشد، تأمین‌کننده نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی عرضه کالا برای شخص دیگری غیر از توزیع‌کننده تأمین کالا کند یا خود کالا را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به مشتریان منطقه مذکور بفروشد. در غیر این صورت مسؤول جبران خسارات وارده به توزیع کننده خواهد بود. همچنین توزیع‌کننده نیز نمی‌تواند بدون اجازه کتبی تأمین‌کننده به ارائه، تولید، بازاریابی و یا فروش هر نوع کالایی که رقیب کالاهای موضوع قرارداد است در منطقه جغرافیایی عرضه کالا اقدام نماید. چنانچه توزیع‌کننده در خارج از منطقه مذکور فعالیت داشته باشد یا کالاهای دیگری نیز عرضه کند که رقیب کالای موضوع قرارداد نمایندگی توزیع محسوب نشود، باید تا سی روز پس از وقوع این امر، تأمین‌کننده را در جریان فعالیت خود قرار دهد.

تبصره- در صورتی که تأمین‌کننده مشتریان خاصی را در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از سابق داشته و به هنگام قرارداد نیز مشخصات و میزان فروش به آنان را به توزیع‌کننده اعلام کرده باشد، استمرار تأمین کالا برای مشتریان مزبور به میزان اعلام‌شده از حکم این ماده مستثنی است.

ماده256- چنانچه توزیع‌کننده در زمان انعقاد قرارداد توزیع اقدام به ارائه، تولید، بازاریابی یا فروش مستقیم و یا غیرمستقیم کالایی می‌نماید، باید فهرست آنها را تهیه و به تأمین‌کننده تسلیم نماید. همچنین در صورتی که تأمین‌کننده در منطقه جغرافیایی مذکور توزیع‌کننده دیگری دارد ویا خود مستقیماً کالای موضوع قرارداد را توزیع می‌نماید، باید این امر را به اطلاع توزیع‌کننده برساند.

ماده257- چنانچه تأمین‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه می‌کند، نماینده توزیع مکلف است کلیه تمهیدات لازم برای ارتباط مشتری با واحد مذکور را فراهم نماید. چنانچه تأمین‌کننده در منطقه

جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه نمی‌کند، نماینده توزیع مکلف است خریدار را از این امر مطلع نماید. هرگونه توافقی خلاف مفاد این ماده باطل است.

ماده258- تعیین نحوه تبلیغ و محتوای آن در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از اختیارات توزیع‌کننده است، مگر اینکه تأمین‌کننده نوع خاصی از تبلیغات را در قرارداد ممنوع یا مخالفت تبلیغات مذکور با حسن شهرت یا سیاست بازاریابی خود را به نماینده اعلام کرده باشد. در هرصورت توزیع‌کننده مکلف است قبل از اقدام به تبلیغ نمونه آن را برای تأمین‌کننده ارسال نماید.

ماده259- هزینه شرکت در نمایشگاهها و هزینه تبلیغات انجام‌شده از سوی هر یک از طرفین قرارداد به عهده خود او خواهد بود، مگر آن که ترتیب دیگری در قرارداد پیش‌بینی شده باشد.

ماده260- تأمین‌کننده مکلف است بر طبق قرارداد، کلیه کالاهای سفارش داده‌شده از سوی توزیع‌کننده را تأمین نماید. رد سفارشات توزیع‌کننده به نحو غیرمتعارف نقض تعهدات تأمین‌کننده تلقی خواهد شد.

ماده261- طرفین می‌توانند حداقل میزان فروش تضمین‌شده را در قرارداد پیش‌بینی نمایند. در این صورت طرفین باید تلاش متعارف برای رسیدن به حداقل فروش تضمین‌شده را به عمل آورند.

ماده262- توزیع‌کننده می‌تواند توزیع‌کننده و یا نمایندگانی را برای کار توزیع و فروش کالا در منطقه جغرافیایی عرضه کالا به‌کار گیرد، مگر اینکه تأمین‌کننده او را از این کار منع کرده باشد. کلیه شرایطی که برای توزیع‌کننده اصلی از سوی تأمین‌کننده تعیین شده است در خصوص توزیع‌کنندگان فرعی و نمایندگان توزیع‌کننده اصلی نیز لازم‌الرعایه است. مسؤولیت توزیع‌کنندگان و یا نمایندگان فرعی بر عهده توزیع‌کننده اصلی خواهد بود. توزیع‌کننده مکلف است مراتب مذکور را به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده263- در مواردی که تأمین‌کننده کالا در ایران اقامتگاه یا شعبه‌ای نداشته باشد، توزیع‌کننده مکلف است هرگونه تغییر در قوانین و مقرراتی را که به نحوی مرتبط با موضوع قرارداد است از قبیل قوانین و مقررات گمرکی، فنی و ایمنی و محیط زیستی به اطلاع او برساند.

ماده264- توزیع‌کننده در قیمت‌گذاری کالا برای فروش آن آزادی عمل دارد، مگر اینکه بر خلاف آن توافق شده یا قیمت‌گذاری او به نحوی باشد که موجب خدشه‌دار شدن شهرت و اعتبار کالا شود. در صورت أخیر، توزیع‌کننده اصلی و فرعی و نمایندگان آنها حسب مورد مکلف به رعایت قیمتهای توافق‌شده یا اعلام‌شده از سوی تأمین‌کننده می‌باشند.

ماده265- هرگونه فروش، تبلیغ، بازاریابی یا واگذاری نمایندگی در خارج از منطقه جغرافیایی برای توزیع‌کننده ممنوع است. توزیع کننده مکلف است کلیه درخواست‌هایی را که از بیرون منطقه جغرافیایی عرضه کالا دریافت می‌نماید، به تأمین کننده ارسال کند. همچنین توزیع‌کننده موظف است در خصوص درخواست مشتریانی که اطلاع دارد هدف آنان توزیع در خارج از منطقه جغرافیایی است طبق حکم این ماده عمل نماید.

ماده266- توزیع‌کننده مجاز است کلیه علائم تجارتی، اسامی تجارتی و یا هر نوع علائم دیگر مربوط به تأمین‌کننده کالا را صرفاً به منظور شناساندن و تبلیغات کالاها، در منطقه جغرافیایی عرضه کالا مورد استفاده قرار دهد. حق استفاده مذکور پس از انقضاء یا هر نوع خاتمه قرارداد منتفی می‌شود. با وجود این، توزیع‌کننده پس از ختم یا انقضای قرارداد نیز می‌تواند کالایی را که با علائم تجارتی تأمین‌کننده نزد او موجود است به فروش رساند.

ماده267- توزیع‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا، باید هرگونه دعوایی را که از سوی اشخاص ثالث در

ارتباط با حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد مطرح شده است و همچنین هرگونه اقدامی را که تهدید یا نقض مالکیت مذکور باشد به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده268- توزیع‌کننده مکلف است به هزینه خود و در تمام طول مدت قرارداد موجودی کافی از تولیدات تأمین‌کننده و لوازم یدکی آن را که برای نیازهای عادی منطقه جغرافیایی عرضه کالا لازم است نگهداری نماید. طرفین می‌توانند میزان موجودی مذکور را بالاتر از میزان متعارف تعیین نمایند.

ماده269- طرفین مکلف هستند کلیه اسناد، مدارک و اطلاعات لازم و مربوط به اجرای مطلوب قرارداد توزیع را در حد متعارف و بدون دریافت هیچ‌گونه هزینه‌ای در اختیار یکدیگر قرار دهند.

ماده270- چنانچه قرارداد نمایندگی توزیع در مورد تخفیف خاص برای توزیع‌کننده نسبت به لیست قیمت کالاها ساکت باشد، توزیع‌کننده مستحق همان تخفیفی خواهد بود که تأمین‌کننده به سایر توزیع‌کنندگان و برای کالاهایی با کیفیت مشابه اعطاء می‌کند.

ماده271- با انقضاء یا خاتمه قرارداد، توزیع‌کننده مکلف است کلیه ابزار تبلیغاتی و سایر اسناد و مدارک و نمونه‌هایی را که تأمین‌کننده در اختیار وی قرار داده است عودت نماید.

ماده272- پس از انقضاء یا خاتمه قرارداد، تأمین‌کننده باید کلیه کالای موجود نزد توزیع‌کننده را مرجوع نماید و وجوه و یا اسناد تجارتی دریافت‌شده بابت آنها را عودت دهد، مشروط بر اینکه این نوع از کالاها جزء آن دسته از محصولاتی باشد که هنوز توسط تأمین‌کننده به فروش می‌رسد و در شرایط مناسب و دارای بسته‌بندی اولیه باشد. در هر حال توزیع‌کننده می‌تواند کالاهای باقیمانده را بر اساس قرارداد و شرایط متعارف به فروش رساند. این حکم مانع الزام تأمین‌کننده به استرداد کالاهای باقیمانده و بازپس دادن وجوه و یا اسناد تجارتی دریافت‌شده مطابق مقررات این ماده نیست.

ماده273- هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی توزیع از طرف دیگری نماید، علاوه بر مهر و موم(پلمب) محل نمایندگی و جبران خسارات واردشده، به جزای نقدی درجه سه محکوم می‌شود.

فصل یازدهم- ضمانت

ماده274- ضمانت بر دو قسم است: ضمانت تبعی و ضمانت مستقل.

مبحث اول- ضمانت تبعی

ماده275- در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به‌طور مستقل مسؤول ایفای دین واحدی باشند، بستانکار می‌تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسؤولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتداء به یکی از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.

ماده276- ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سببی مانند فوت، دین اصلی حال شود. ضمان حال از این حکم مستثنی است.

ماده277- اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.

ماده278- چنانچه تمام یا بخشی از دین اصلی به هر نحو ساقط گردد، ضامن نیز حسب مورد نسبت به تمام دین یا بخش ساقط‌شده از مسؤولیت بری می‌شود.

ماده279- پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت کرد، مضمونٌله باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمونٌعنه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته‌باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته‌باشد، وثیقه‌دهنده مکلف است تشریفاتی را که برای انتقال وثیقه به ضامن به عنوان وثیقه گیرنده جدید لازم است، انجام دهد.

ماده280- ضامنی که به صورت تبرعی ضمانت کند، حق رجوع به مضمونٌعنه را ندارد.

مبحث دوم- ضمانت مستقل

ماده281- ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمونٌعنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمونٌله) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمونٌعنه و مضمونٌله بر عهده می‌گیرد.

ماده282- سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل، ضمانتنامه مستقل نامیده می‌شود.

ماده283- ضامن می‌تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت‌شده به موجب ضمانتنامه، از مضمونٌعنه تقاضای ضمانتنامه کند. این ضمانتنامه که به وسیله خود مضمونٌعنه یا به درخواست وی صادر می‌شود ضمانتنامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانتنامه مستقل است.

ماده284- تعهدات ناشی از ضمانتنامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است. هرگونه اشاره‌ای که در ضمانتنامه به تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد، خللی به مستقل بودن ضمانتنامه وارد نخواهد کرد.

ماده285- ضمانتنامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

1 - درج عبارت «ضمانتنامه مستقل» بر روی سند

2 - هویت و نشانی متقاضی (مضمونٌعنه)

3 - هویت و نشانی صادرکننده (ضامن)

4 - هویت و نشانی ذی‌نفع (مضمونٌله)

5 - تاریخ صدور به روز و ماه و سال

6 - مبلغ ضمانتنامه

7 – تاریخ خاتمه اعتبار ضمانتنامه یا واقعه منتج به خاتمه اعتبار ضمانتنامه

8 - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ و مدارک لازم برای احراز شرایط عندالاقتضاء

9 - شرایط تغییر مفاد ضمانتنامه

10- مشخصات قرارداد اصلی

11- مشخصات ضمانتنامه متقابل در صورت وجود

12- قابلیت تمدید یا عدم تمدید ضمانتنامه و بیان نحوه تمدید در صورت قابل تمدید بودن.

تبصره- هرگونه شرطی مبنی بر پرداخت وجه ضمانتنامه بدون درخواست ذی‌نفع، یا تمدید آن به نحو خود به خود ممنوع است. تمدید ضمانتنامه در هر حال منوط به موافقت صادرکننده است.

ماده286- اگر تاریخ اعتبار ضمانتنامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج‌سال از تاریخ صدور اعتبار دارد. چنانچه

ضمانتنامه متقابل فاقد مدت باشد، مدت اعتبار آن برابر با یک‌سال پس از تاریخ اعتبار ضمانتنامه اصلی خواهد بود.

ماده287- هر شرطی که استقلال ضمانتنامه مستقل را تغییر دهد بی‌اثر است.

ماده288- ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیرقابل‌برگشت است، حتی اگر صریحاً در آن قید نشده باشد.

ماده289- به محض اینکه ضمانتنامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادرشده محسوب می‌شود، مگر آنکه در ضمانتنامه به‌نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانتنامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده290- به محض صدور ضمانتنامه و تا قبل از انقضای اعتبار آن ذی‌نفع می‌تواند با ارائه ضمانتنامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانتنامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

تبصره- به جز درج تاریخ یا قید گذشت زمان معین، ضمانتنامه نباید حاوی شرطی باشد که نتوان برای احراز تحقق آن شرط، مدرکی ارائه کرد. در صورت وجود چنین شرطی یا در مواردی که مدرک احراز شرط معین نشده باشد و سوابق موجود نزد ضامن نیز نتواند تحقق شرط را اثبات نماید، ضامن باید بدون توجه به آن شرط وجه را پرداخت کند. همچنین پرداخت ضمانتنامه نباید منوط به ارائه مدرکی شود که متقاضی صادرکننده انحصاری آن است.

ماده291- هر یک از ذی‌نفع و متقاضی می‌تواند با رعایت شرایطی که عندالاقتضاء برای تغییر ضمانتنامه پیش‌بینی شده است تغییر آن را تقاضا نماید. در این صورت ضامن مکلف است درخواست تغییر را برای طرف دیگر ارسال کرده و موافقت کتبی وی را درخواست کند. در صورت موافقت کتبی ذی‌نفع یا متقاضی، از لحظه صدور اصلاحیه وفق ماده (289) این قانون، ضمانتنامه اصلاح‌شده تلقی می‌شود، مگر آنکه در متن موافقتنامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی‌نفع یا متقاضی در گذشته و به‌صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده‌باشد، از لحظه‌ای که صادرکننده ضمانتنامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به‌وسیله ذی‌نفع یا متقاضی را دریافت می‌کند، ضمانتنامه اصلاح‌شده تلقی می‌شود. مگر آنکه بر خلاف آن توافق شده باشد.

تبصره- در مواردی که تغییر ضمانتنامه، تعهدات صادرکننده را تغییر دهد، موافقت صادرکننده برای تغییر لازم است. با وجود این چنانچه تغییر به دلیل پرداخت بخشی از وجه ضمانتنامه یا سررسید شدن تاریخ یا واقع شدن شرایط مندرج در آن تقاضا گردد، صادرکننده مکلف به تغییر است.

ماده292- تغییر ضمانتنامه مستقل تأثیری به زیان تأییدکننده ضمانتنامه ندارد، مگر اینکه وی به‌طور کتبی موافقت کرده‌باشد. تأییدکننده ضمانتنامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه به‌وسیله ضامن را تعهد می‌کند.

ماده293- ضمانتنامه مستقل در صورتی قابل انتقال است که صراحتاً عبارت قابل انتقال در آن درج شده باشد. انتقال ضمانتنامه با موافقت صادرکننده و پس از اخطاریه انتقال‌دهنده به ضامن مبنی بر اینکه انتقال‌گیرنده جانشین حقوق و تعهدات او در رابطه پایه شده است محقق خواهد شد.

ماده294- هر یک از اطراف ضمانتنامه مستقل، می‌تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به‌طور رسمی وکالت دهد.

ماده295- درصورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذی‌نفع اطلاعیه‌ای مبنی بر انتقال ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می‌شود.

ماده296- تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به‌منزله اقرار ذی‌نفع به موارد زیر است:

1- کلیه اسناد ارائه‌شده منطبق با مقررات است و هیچ‌یک از آنها مجعول و غیرواقعی نیست؛

2- هیچ پرداخت یا تعهد پرداختی درباره اسناد ارائه‌شده انجام نشده است.

ماده297- تقاضای پرداخت ضمانتنامه متقابل باید همراه اخطاریه‌ای از طرف ذی‌نفع آن مبنی بر دریافت مطالبه وجه ضمانتنامه مستقل مربوط مطابق با شرایط آن است.

ماده298- پرداخت مبلغ ضمانتنامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه و در محل صدور آن از صادرکننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانتنامه به‌نحو دیگری مقرر گردد.

ماده299- انقضای اعتبار ضمانتنامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موکول شود. اگر هر دو ذکر شود هر یک زودتر اتفاق افتد تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه خواهد بود، مگر بر خلاف آن توافق شده باشد.

ماده300- تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش‌بینی شود. در صورتی که متقاضی وثیقه‌ای در خصوص ضمانتنامه به صادرکننده داده باشد، با بازپرداخت هر بخش از مبالغی که ضامن به مضمونٌله پرداخته است می‌تواند به نسبت، خواهان آزاد شدن وثیقه خود گردد مشروط برآنکه وثیقه قابلیت تفکیک داشته باشد.

ماده301- صادرکننده باید تقاضای پرداخت ذی‌نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکرشده در ضمانتنامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌المللی حداکثر تا یک‌ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفا کند. ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانتنامه محقق می‌شود و ممکن است، حسب دستور ذی‌نفع، ازطریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.

تبصره1- چنانچه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک نباشد، در صورت مطالبه وجه ضمانتنامه توسط ذی‌نفع، صادرکننده موظف است پس از وصول درخواست مطالبه، تا چهل و هشت ساعت مبلغ ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

تبصره2- صادرکننده مکلف است به محض تقاضای پرداخت ضمانتنامه از سوی ذی‌نفع این موضوع را به موجب اخطار به اطلاع متقاضی و ضامن متقابل در صورت وجود برساند.

ماده302- چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه‌شده را با اسناد ذکرشده در ضمانتنامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف مدت سه روز مراتب را همراه دلایل رد به صورت کتبی به اطلاع ذی‌نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی‌نفع اصل اسناد را مسترد کند.

ماده303- قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث منوط شود.

ماده304- درمواردی که اسناد ارائه‌شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف می‌شود.

ماده305- چنان چه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک باشد، مؤسسه اعتباری بر مبنای ظاهر اسناد و مدارک ارائه‌شده در حد عرف بانکداری عمل می‌نماید و هیچ‌گونه تعهد یا مسؤولیتی در این خصوص از جمله موارد زیر ندارد:

1 - اصالت و صحت هرگونه امضاء، مدارک، اسناد و اطلاعات ارائه‌شده؛

2- هرگونه اظهارات کلی یا خاص در خصوص مدارک و اسناد ارائه‌شده؛

3- وجود کالا یا خدمات و همچنین شرح، مقدار، وزن، کیفیت، بسته‌بندی، تحویل و ارزش آنها و سایر کارهای اجرائی یا آماری که در اسناد و مدارک، به آنها اشاره شده است؛

4- حسن نیت، فعل یا ترک فعل، اعتبار مالی و شخصی صادرکننده اسناد و مدارک.

ماده306- درصورتی که صادرکننده، اسناد ارائه‌شده یا تقاضای پرداخت ذی‌نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات واردشده به ذی‌نفع و متقاضی است.

ماده307- درصورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانتنامه مستقل را مطابق شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:

1- مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذی‌نفع پرداخت شده است.

2- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شده باشد.

3- هزینه‌ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه متحمل شده است. طرفین می‌توانند دراین خصوص بر مبلغ مقطوعی به‌عنوان خسارت توافق کنند.

ماده308- در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه صادرکننده به تقاضای ذی‌نفع ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) یا عندالاقتضاء پرداخت مبلغ ضمانتنامه می‌باشد. در صورت صدور نسخه جایگزین باید عبارت «نسخه جایگزین (المثنی)» بر روی ضمانتنامه درج گردد.

ماده309- صادرکننده ضمانتنامه در موارد زیر از پرداخت وجه به ذی‌نفع خودداری می‌کند:

1- چنانچه اسناد ارائه‌شده صحیح نباشد یا مجعول باشد،

2- چنانچه وجه ضمانتنامه طبق شرایط مندرج در آن قابل مطالبه نباشد،

3- چنانچه مطالبه وجه هیچ مبنای ممکن و قابل تصوری نداشته باشد مانند موارد زیر:

3-1- واقعه یا خطری که ضمانتنامه مستقل به منظور حمایت ذی‌نفع در برابر آن صادر شده است مسلماً رخ نداده باشد،

3-2- تعهد پایه توسط دادگاه باطل اعلام شده باشد، مگر اینکه در ضمانتنامه تصریح شده باشد بطلان تعهد پایه نیز تحت پوشش ضمانتنامه قرار دارد.

3-3- تعهد پایه بدون تردید با رضایت ذی‌نفع اجراء شده باشد.

3-4- به تشخیص دادگاه تقصیر ذی‌نفع آشکارا مانع اجرای تعهد پایه شده باشد.

4- در مورد ضمانتنامه متقابل، هرگاه ذی‌نفع ضمانتنامه متقابل به عنوان صادرکننده ضمانتنامه مستقل مربوط، وجه آن را با سوءنیت پرداخته باشد.

تبصره- متقاضی ضمانتنامه می‌تواند در موارد مذکور در بندهای (1)، (2) و (3) این ماده از دادگاه صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت ضمانتنامه را تقاضا نماید.

ماده310- در صورتی که صادرکننده به دلیل حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل رفع یا دستور مقام قضائی نتواند مبلغ ضمانت را پرداخت کند و مدت اعتبار ضمانتنامه نیز در این مدت منقضی شده باشد، ضمانتنامه تا سی روز پس از رفع موارد مذکور معتبر خواهد بود. چنانچه ذی‌نفع پیش از تاریخ بروز حادثه یا پیش‌از تاریخ وصول دستور مقام قضائی مبنی بر عدم پرداخت، درخواست مطالبه وجه ضمانتنامه را به صادرکننده یا ضامن ارائه نموده باشد،

صادرکننده موظف است پس از رفع موارد مذکور مطابق مقررات این قانون، وجه ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

ماده311- هر کس با علم به بلاجهت بودن وصول مبلغ ضمانتنامه آن را وصول کند، به جزای نقدی از نصف تا کل مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان‌دیده محکوم خواهد شد.

ماده312- مقررات این فصل نافی اختیارات مراجع ذی‌صلاح در تنظیم دستورالعمل اجرائی ناظر بر ضمانتنامه‌های بانکی ناشی از سیاست‌های پولی و بانکی نیست.

فصل دوازدهم- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز)

ماده313- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) قراردادی است که به موجب آن، دارنده یک کسب و کار حق استفاده از مالکیت فکری خود در آن کسب و کار مانند نام و علامت تجارتی و دانش فنی را به منظور راه‌اندازی و انجام همان کسب و کار تحت همان نام و علامت و با شرایط معین و با کمک و تحت نظارت مستمر خود در محدوده جغرافیایی معین به دیگری اعطاء می‌کند.

ماده314- امتیازگیرنده مستقل بوده و به نام و حساب خود فعالیت می‌کند.

ماده315- طرفین قرارداد موظف هستند تا قرارداد اعطای امتیاز و هر نوع تغییر در مفاد آن را نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسانند. قراردادی که برای ثبت به مرجع ثبت ارائه می‌شود، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

1- هویت طرفین قرارداد؛

2- نام و مشخصات کسب و کار؛

3- مابه‌ازای امتیاز اعطاءشده و هزینه‌های مرتبط از قبیل هزینه تبلیغات، هزینه ارتقاء ؛

4- تعهدات امتیازدهنده؛

5- تعهدات امتیازگیرنده؛

6- مشخصات مالکیت فکری اعطاءشده؛

7- تعیین تکلیف در خصوص امکان واگذاری کسب و کار به شخص دیگر و شرایط آن در صورت امکان؛

8- نوع و مشخصات کمکهای اعطائی از سوی امتیازدهنده؛

9- مدت زمان قرارداد و شرایط راجع به تمدید آن؛

10- حقوق و تکالیف طرفین پس از خاتمه یا انقضای قرارداد؛

11- انحصاری یا غیر انحصاری بودن قرارداد؛

12- تعیین تکلیف کسب و کار در صورت فوت امتیازگیرنده؛

13- تکلیف قرارداد در صورت تغییر یا انقضای مالکیت فکری در طول مدت قرارداد؛

14- نحوه تبلیغات به خصوص امکان یا عدم امکان تبلیغ در خارج از حوزه جغرافیایی.

ماده316- اعطای امتیاز کسب و کار باید در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسد. در غیر این صورت محل کسب و کار امتیاز گیرنده مهر و موم(پلمب) خواهد شد. ثبت مذکور منوط به ارائه گواهی ثبت قرارداد اعطای امتیاز مطابق ماده (315) این قانون است.

ماده317- مرجع ثبت، مفاد بندهای (1)، (2)، (6)، (7)، (9) و (11) ماده (315) این قانون و هر نوع تغییر در

خصوص آنها را در روزنامه رسمی منتشر می‌کند. در صورت عدم ثبت قرارداد، طرفین نمی‌توانند به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه به مفاد قرارداد استناد نمایند.

ماده318- امتیازدهنده باید حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد اعطای امتیاز کسب و کار را به شکل قانونی کسب کرده و در مواردی که الزام به ثبت آن وجود دارد، آن را به ثبت برساند. امتیاردهنده ضامن اعتبار این حقوق در طول دوره قرارداد است.

ماده319- هرشخص بدون انعقاد قرارداد امتیاز طبق این قانون، خود را منتسب به شبکه کسب و کار نموده یا اقداماتی انجام دهد که نوعاً موجب گمراهی مردم در خصوص انتساب آن به یک شبکه کسب و کار مشخص باشد، علاوه بر جبران خسارات وارده به جزای نقدی درجه چهار محکوم خواهد شد.

ماده320- امتیازدهنده مکلف است قبل از انعقاد قرارداد اطلاعات زیر را در اختیار متقاضی امتیاز، قرار دهد:

1- اطلاعات شبکه کسب و کار از قبیل ساختار و وسعت شبکه و سوابق آن؛

2- حق مالکیت فکری مرتبط و هرگونه دعوای طرح‌شده در خصوص آن؛

3- دعاوی مطرح علیه امتیازدهنده یا وابستگان تجارتی آن در ارتباط با موضوع قرارداد در مدت پنج‌سال أخیر؛

4- سابقه ورشکستگی یا توقف در پنج‌سال أخیر؛

5- مشخصات امتیازگیرندگان نزدیک به منطقه جغرافیایی متقاضی؛

6- اطلاعات امتیاز گیرندگانی که در پنج‌سال أخیر با شبکه کسب و کار قطع همکاری کرده‌اند با بیان علت قطع همکاری.

تبصره- هرگونه توافقی بر خلاف این ماده کأنلم‌یکن تلقی خواهد شد. در صورت عدم ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات خلاف واقع امتیازدهنده مسؤول جبران خسارات طرف مقابل است. علاوه بر این امتیازگیرنده ناآگاه می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

ماده321- امتیازدهنده مکلف است اطلاعات، دانش فنی و آموزش‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار را به امتیازگیرنده ارائه دهد. در صورتی که در طول اجرای قرارداد، اطلاعات و دانش فنی، تصحیح، توسعه و یا تکمیل یابد، امتیازدهنده موظف به ارائه اطلاعات و دانش جدید است.

ماده322- در صورتی که مالکیت فکری موضوع قرارداد از سوی شخص ثالث نقض گردد، امتیازدهنده مکلف است نسبت به جلوگیری از نقض مذکور اقدامات لازم را انجام دهد. در صورت تقاضای امتیازگیرنده مبنی بر جلوگیری از نقض و عدم انجام اقدامی از سوی امتیازدهنده، امتیازگیرنده در محدوه جغرافیایی خود، شخصاً می‌تواند علیه ثالث اقامه دعوی نماید. در این صورت هزینه‌های متحمله و خسارات ناشی از عدم اقدام بر عهده امتیازدهنده خواهد بود.

ماده323- امتیازگیرنده متعهد است روش تجارتی و دستورالعمل‌های صادره از سوی امتیازدهنده را رعایت نماید. دستورالعمل‌های مذکور تا مقداری نافذ خواهد بود که به مستقل بودن امتیازگیرنده طبق ماده (314) این قانون خللی وارد نشود.

ماده324- امتیازدهنده موظف به نظارت بر شیوه عملکرد امتیازگیرنده است تا کالای ارائه‌شده از سوی او برخلاف استانداردها و کیفیت کالاهای اصلی نباشد.

ماده325- امتیازگیرنده باید حق دسترسی به محیط فعالیت خود را برای امتیازدهنده فراهم نماید به نحوی که امتیازدهنده اطمینان حاصل کند امتیازگیرنده بر طبق قرارداد و دستورالعمل‌های صادره عمل نموده و اقدامی انجام

نمی‌دهد که شهرت و اعتبار شبکه کسب وکار را به خطر اندازد. همچنین امتیازگیرنده باید حق دسترسی به دفاتر و سایر اسناد مالی مربوط به قراداد را برای امتیازدهنده فراهم نماید.

ماده326- امتیازدهنده در صورت انحصاری بودن قرارداد امتیاز نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی مورد توافق، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم اقدام به رقابت با امتیازگیرنده نماید یا با شخص دیگری در خصوص موضوع قرارداد، قرارداد اعطای امتیاز دیگری منعقد نماید.

ماده327- امتیازدهنده باید کلیه اقدامات لازم و متعارف به ویژه طراحی برنامه‌های تبلیغاتی را در جهت حفظ و ارتقای شهرت و اعتبار شبکه کسب وکار انجام دهد. انجام هرگونه اقدامی توسط امتیازگیرنده که موجب خدشه به اعتبار و حسن شهرت شبکه کسب وکار شود، ممنوع است.

ماده328- امتیازدهنده می‌تواند در قرارداد شرط کند که امتیازگیرنده تا مدتی بعد از انقضای قرارداد از راه‌اندازی کسب و کاری مشابه با موضوع قرارداد در همان منطقه جغرافیایی ممنوع باشد، در هر صورت مدت مذکور نمی‌تواند بیش از دو سال پس از انقضای قرارداد باشد

ماده329- بعد از انقضای مدت قرارداد، امتیازگیرنده حق فروش اموالی که نزد او باقی مانده است را با همان شرایط مذکور در قرارداد دارد و این امر نقض مالکیت امتیازدهنده محسوب نمی‌گردد؛ مگر اینکه امتیازدهنده خود خواهان خرید کالاهای مذکور به قیمت روز باشد که در این صورت امتیازگیرنده باید از فروش کالاهای مذکور به غیر خودداری کند.

ماده330- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون موارد زیر نسخ می‌شود:

1- مواد (335) تا (411) قانون تجارت مصوب 1311/2/13 با اصلاحات و الحاقات بعدی

2- تصویبنامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب 1340/6/6 با اصلاحات و الحاقات بعدی.

ماده331- مفاد این قانون از تاریخ 1400/1/1 لازم‌الاجراء است.

شورای نگهبان
قائم مقام دبیر

جمهوری اسلامی ایران
بسمه تعالی

شماره: ۹۱/۳۰/۴۶۶۹۵
تاریخ: ۹۱/۰۲/۲۴
پیوست:
طبقه‌بندی:

مجلس شورای اسلامی ابلاغ از شورای نگهبان
معاونت قوانین
این لایحه در جلسه علنی — مورخ ۹۲/۱۲/۲۶
اعلام وصول و در دفترطرح ها و لوایح دبیرخانه اداره کل قوانین
به شماره ثبت ۴۴۳ وشماره ترتیب چاپ ۹۷۳
درج گردید

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شمارهٔ ۱۱٤/٦۳۵۳ مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۱۷ ؛

لایحه تجارت

مصوب جلسه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و یک مجلس شورای اسلامی که طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۰/٦ کمیسیون قضائی و حقوقی به تصویب رسیده بود، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

ـ نظر به اینکه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، فقط در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیونهای داخلی خود تفویض نماید، با توجه به اینکه قانون تجارت فعلی قانون دائمی است و امور مربوطه بطور طبیعی و عادی جریان دارد و خلاء قانونی به نحو کلی که جبران آن ضروری باشد در این خصوص وجود ندارد و هیچ ضرورتی برای تصویب این مصوبه در کمیسیون به صورت آزمایشی بدون جری مراحل عادی قانونگذاری نیست، علاوه بر وجود ابهامات و اشکالات عدیده در این مصوبه با عنایت به مراتب مذکوره تصویب آن توسط کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی تشخیص داده شد.

به فرض اینکه قانون موجود در برخی موارد احتیاج به تغییر و اصلاح یا تکمیل داشته باشد باید به این نحو و به همان مقدار اکتفاء شود.

محمدرضا علیزاده
قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حوزه ریاست مجلس
شماره ۹۲/۸۰۷۴ ورود

مجلس شورای اسلامی
شورای نگهبان
دبیر

بسمه تعالی

شماره ۹۳۱۰۹۰۱۱۹۳
تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۰۷
پیوست
فتوکپی

ثبت ۴۴۳

دفتر معاون قوانین
تاریخ ۹۳/۴/۳
شماره ۲۸۲۲۵

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۱۴/۱۶۷۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۷ و پیرو نامه شماره: ۹۲/۳۰/۴۶۹۹۵ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴:

لایحه تجارت

که در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ کمیسیون قضائی و حقوقی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی به تصویب رسیده بود و در جلسه مورخ هفدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاح به عمل آمده نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

ـ علی‌رغم تغییر به عمل آمده ایراد سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

احمد جنتی
دبیر شورای نگهبان

[redacted]

علی لاریجانی
رئیس مجلس شورای اسلامی

حوزه ریاست مجلس
شماره ۹۳۱۲۲۰۵
تاریخ ورود ۹۳/۴/۳
تاریخ خروج